

عالمیجه کلب حسین جان نایب اچودان باشی که مامور رسیدگی  
وسرپرستی قشون آذربایجان بود و در دویم ماه ربیع الثانی  
بانتجار سیده است و بام قشون آنجا خوب رسیدگی مینماید

### احوال دول خارجه

انگلیس در یکی از روزها همای لندن که مارچینگ کرینکل مینماید  
که بتاریخ هشتم ماه جنوری که مطابق پنجم ربیع الاول میباشد  
در لندن انطباع شده نوشته بودند که اهل انگلیس در اولین  
سال چندین باعث خورسندی دارند یکی آنکه مالیات یوان  
از هر قسم که باشد روز بروز کمزور و میشود دیگر آنکه اکثر خلق  
گذرانان چنین است که هر چه از لوازم زندگانی باشد باستانی  
بانتها میرسد و امورات تجارت بر کربان خوبی و گرمی را  
نیرفت و صنعت کاران در عایا هر یک بکار خود مشغولند  
و داد و ستدشان گرم و رواج است از هر قسم ذوقه غیره  
نهایت فراوانی را در روزی باقی داخل میزان معلوم و  
آشکار شده است چونکه فرار کمکت گرفتن را کرده اند باین  
بار اجناس و غیره زیاد آمده و داخل دیوان بیشتر از وقت  
که کمکت زیاد می گرفتند شده است

اکثر روزها در شهر لندن نبودند اما درین روزها انتظارند  
انهار دارند که بیایند چونکه اخبار کرده بودند و روزی  
هم بخصوص معین کرده بودند که باید در دفترخانه وزیر دول

### خارجه مشورت مینماید

فرانس درین مملکت بنا داشتند که بعضی از روزها معزول بعضی  
دیگر بجای آنها مامور باشند و مابین لوی ناپلیان رئیس دولت  
جمهوریه فرانسه و وکلای رعایای مشورتخانه که اساسی  
ستایل مینامند بحث و گفتگوی مبسوطی بر مخالفت بود

لوی ناپلیان با آنها خبر کرده بود که بنا داریم که سردار  
قشون مقیم پای تخت را معزول کرده کسی دیگر بجای او منصوب  
نمائیم اهل مشورتخانه خواهش کرده بودند که چنین عمل نکند  
چونکه اندک نگذرد و معاشرت مابین رئیس مزبور و اهل مشورتخانه

بود اگر این سردار معزول بشود سردی و معاشرت مابین  
لوی ناپلیان و اهل قشون نیز می شود و کار دولت اختلال  
خواهد رساند

### مستان و سایر ممالک اروپا

وکلای پادشاهان این ممالک در شهر ورتز دن حبس شده  
بودند که قسری در امورات آن دول بگذارند و در مملکت  
دینمارک مابین پادشاه آنجا و امانی بعضی بلوکات که یکی از  
انتها است مین است جنگی که مدتها بود باز بطریق سابق  
بست و در یکی ازین روزها مین نوشته بودند که بتاریخ نهم  
هشتم ماه صفر پیش قراولهای قشون دینمارک و استین  
بر خورده با هم جنگ کردند نزدیک نهب الطونه و بیت نزار قشون  
استین دلیل دستگیر قشون دینمارک شدند و چند نفر هم از طرفین  
وز خمدار گردید و خانمانی که قشون استین در میانشان بودند  
زند و یکت روز پیش از آن هم باز جنگ جزوی مابین قشون استین  
طرفین شده بود قشون استین در میان جنگی بودند و قشون دینمارک  
با آنها حمله آورده از جنگ بیرونشان کرده بار دوی استین بر اجعت  
بودند و لکن آنها در مرجعت نظام خود بر هم زدند و حال آنها  
هم گویا بنا دارند که وکلای معین نموده روانه نمایند و گذارش  
بصلح بگذرند سایر ممالک فرانکستان امن آرام بود

احوال است متفرقه درین روزها دولت استریه در ملک مجاری  
 سرشماری می کرده اند بجهت اینکه قشون از آنها بگیرند و ازین سرشماری معلوم  
 شد که در ملک مجارستان از طایفه کولی که بر ترکی فراچی میگویند  
 بیزار نفرین و مرد بودند در کل ممالک فرانکستان ازین طایفه  
 و لکن بسیارشان در ملک مجارستان و اسپانیول سکنی دارند  
 و در هر ولایت که میباشند نشان ساختن غربال و ستبدو  
 منطربی و غیره است

مفسدین فرانکستان که دو سال پیش ازین در اکثر ممالک آنجا  
 و افساد کرده بودند و در بعضی جاها دولت پادشاهی را برهم زده  
 دولت جمهوری بر پا کردند بعد از آنکه در اکثر جاها پادشاهان بیایمان  
 غالب آمده باز نظم سابق را در ممالک خود گذاشتند این مفسدین  
 بکل دنیا متفرق شدند و بسیارشان بولایت نکلین آمدند و درین روزها  
 مفسدین اهل ایتالیا مرتباً نام و غیره که در لندن هستند کاغذی  
 با منای دولت جمهوری فرانسه نوشته اند و از آنها کله زیاد کرده اند  
 که چرا باید منای فرانسه که دولت جمهوری میباشند قشون برود  
 بفرستند و عوض اینکه تقویت جمهوری روم باید بکنند جمهوری  
 برهم زنند و پا پاراد و باره بجای خود برقرار بکنند و وقای این  
 مفسدین نیست که اگر قشون فرانسه از روم بیرون بروند فی الفور  
 اهل آنجا پا پاراد برهم زده دولت جمهوری بر پا خواهند کرد و میگویند  
 دنیا و ارمکانات است دور نیست که دول دیگر یک قوی بملکت  
 فرانسه حمله آورده و بضرر بشیر دولت جمهوری آنولایت را برهم زنند  
 و قانونی دیگر که خلاف رای جمهوری فرانسه است برپا نمایند

درین روزها انبارهای بزرگ در لندن که در آنجا کبریت فرنی  
 میساختند آتش گرفته نظام آتش خاموش کن را طرف با آنجا

اما چونکه باین انبارها راه نمیشدند مگر از یکت و الان در آن  
 خاموش کردن این آتش مشکل بود باز بطوری خاموش کردند  
 نگذاشتند آتش بخانههای اطراف سرایت نماید

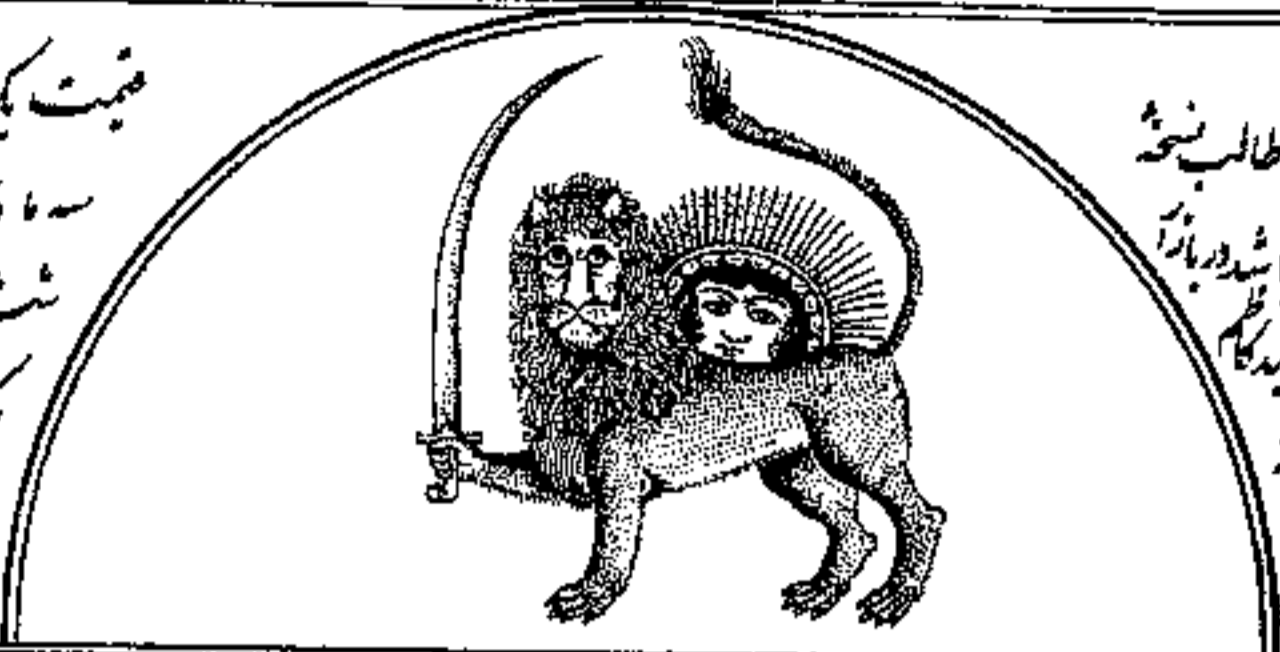
موافق کاغذها بنگار دولت جمهوری یونانی دنیای شمالی نوشته اند  
 هر کشتی که از سمت کلی فارینامی آمده طلای زیاد در آن ولایت  
 می آورده و درین روزها کشتی شهر نیویارک وارد شدند و  
 حساب کرده اند که طلای که در آن کشتی به بنجار آنجا رسیده بود  
 نزدیک به میان دلار پول آنجا بوده که بحساب پول ایران نزدیک  
 بدو کرو نیم میشود و از خود مملکت کلی فارینا هم نوشته بودند که در  
 شش روز طلای که از مملکت کلی فارینا بیرون رفت بیشتر از  
 بود هر کشتی که از آنجا می آمده معدنچی و سیاح زیاد داشته و خلق  
 زیاد هم باز آنجا میفرستند و حساب کرده اند که بیست هزار  
 نفر در سیرکی از راههای آن مملکت بوده اند و چونکه درین راهها آب  
 کم یاب بلکه در بعضی جاها قطاب بوده و حلف هم بسیار کم بود  
 خیلی از مردم در آنجا تلف شده بودند و بعد ازین هم تلف شدند  
 شد صد و پنجاه فرسخ از آبادی آن مملکت و از آنجا که طلا میچورند و در  
 اند جمعیتی از آنجا که آبادی بوده است با بد آنها روزه شده اند چونکه  
 رستان نزدیک بوده است دور نبوده است که خیلی از آنها در آنجا  
 تلف شده باشند

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که دو نفر تفنگ ساز تفنگی اختراع  
 کرده اند که از او میشود همقاتد سیر انداخت بدون جیپتلی  
 چاشنی که آتشین طوری کرده اند که در همان پر کردن  
 تفنگ در حسرتی که سینه میبند چاشنی کهنه میفتند  
 و چاشنی تازه بجای او سوار میکنند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ جمعیت و ششم شهریور سنه ۱۳۰۳ مطابق سال ۱۳۰۳

تومره ۴

بیرس در طهران طالب نشو  
ازین روز نامها باشد در بازار  
در دکان میرشید بکام  
بلور فروش فروخته  
می شود



قیمت یک شخه و شاهای  
سه ماه شش هزار  
شش ماه یک تومان و دو پانز  
یک سال و تومان و چهار

اخبارات داخله ممالک محروسه پادشاهی

دراختلاف طهران

از آنجا که اولیای سلطنت نیه ایران مسوره در این  
سد و دو مورد دولت و نظام حدود و دستور مملکت و قات  
دارند تا قواعد تحینه عدیده و قوانین بنیینه جدید که دریا  
دول معمول و در این دولت متروک است پدیدار نمایند لهذا  
حکم تذکره مرور نمودند که در جمع شهرهای معظم ممالک محروسه تذکره  
بدهند و در ابتدای حدود و دستور از جانب دولت قراول نامور شود  
و مترودین بی تذکره مرور از بلدان معظمه از شهری شهری و از ولایاتی  
زود درین باب کتابچه بسو و محتوی بر فصول مفصله مرقوم گردید و  
ولایاتی که لازم است ارسال داشته و خواهند داشت که از شرح  
کتابچه معمول درند و نهاده معلوم خواهد شد که فواید کلی برای سبب  
و انتظام امور مملکت حاصل میگردد و عقرب نیایچ نیکو و محاسن  
بطوری شایسته ازین عمل بطور خواهد رسید محتمل آن  
زیاده از آن است که نوشته شود بعون الله تعالی بزودی  
ظاهر خواهد شد

چون بی نظمی ولایت خوی و رسیدن ایالت آنجا حروص  
اولیای دولت علیه شد لهذا محمد رحیم میرزای حاکم و حاجی حاج  
پیکار را معزول و محمد رحیم خان نسقی باشی را بحکومت آنجا منصوب  
نمودند روز یکشنبه بیست و یکم خففت حکومت پوشیده  
این روزها خواهد رفت و ز قرائیکه بسبع اولیای دولت علیه  
رسید بسبب تلخ خواری که در سه سال متوالی در آن ولایت  
عادت شد قدری شکستگی و پریشانی بر عتبات آن ولایت وارد  
آمده لهذا اولیای دولت علیه قرارهای درست و بقدر ضرورت  
تعاؤل و تخفیفی در حق مالی آن ولایت منظور داشتند که رفع  
پریشانی و شکستگی آن ولایت بشود  
حکام اردبیل و مشکین و قراچه داغ که از دارالخلافه نامور بودند  
در روز سه شنبه بیست و نهم مرتخص شده از دارالخلافه روز شنبه  
نیاز محرم فرستاده خان خبوق که در مقام انیماه وارد شده بود  
در روز بیست و یکم بحضور علیحضرت پادشاهی شرف شده در  
دور اسباب و یک بتنه قوش تیغون که شست از حضور گذراند

از روزیکه سرکار اعلی حضرت پادشاهی  
 سرسلطنت و جهان بینی را بوجوه مستور و زیب و زینت داده اند  
 اولیای دولت همیشه در با می آنکس محروم و عموماً در آن خلافت  
 فرائض و صاسی و استقامت در نذ جناب اناب عظیم مبرک  
 در در آن خلافت طهران یکتا از عهد نوز و سالیست شیل که شده  
 از خود بنای کار و نسر و بازاری که اشتند که کار و نهی آن  
 مونسوم بسیاری تا بیکه و مشتمل است بر سیصدوی شش حجه  
 تحتانی و فوقانی از سر راسته بازار که دکاکین متعدد بسیار  
 دارند بکار و نسر ای مزبور راه است بازار تا در ماه مبارک رمضان  
 تمام شده و اصناف از آنوقت نشسته اند در کمال خوبی و آبادی  
 کار و نسر هم تا اول حوت تمام شد که در روز و شنبه بیست  
 و دویم که پنج روز از حوت که شسته شجار آمد هجرات آنجا گرفته  
 نشسته و بعضی این کار و نسر خوب ساخته شده است که شجار در  
 گرفتن هجرات آن هم مناظره و حرف دارند  
 میرزا قوما را که در روزنامه هفته اول نوشته شده بود که گفته اند  
 می آورند در روز و شنبه بیست و دویم وارد دار آنجا  
 فوج اخلاص فشا که مدتی بود در رکاب مشغول مشق بودند این روز  
 موجب شان را داده مرض خاص خان نمودند که بعد از عید برای سفر  
 اگر کان تدارک خود را دیده حاضر شوند  
 علیقلی خان شقاقی که منصب یوری در فوج مخبران شقاقی داشت  
 چون در خراسان خدمت خوب نمایان کرده بود منصب سرسکی  
 فوج و معانی سر فراز کرده در روز یکشنبه بیست و یکم پروت  
 لرزی صاحب مرحوم از جمله نجبای ولایت نکلینس از ادبانی

و سلسله قدیم آن همت مملکت نکلینس که سکا تا کنده میمانند بود  
 در جوانی داخل مدرسه صاحب منصب بان نظام نزدیک شهر  
 که و پنج اسم در شده بعد از آنکه علم توپخانه را در آنجا خوب آموخت  
 منصب با و داده و مأمور بهند و ستانش کرد چندین مرتبه  
 بهند و ستان ماند تا اینکه خبر زال ملک مأمور سفارت ایران شد  
 در سفر و پیش لرزی صاحب ریس راه او روانه کردند و در  
 توپ که دولت نکلینس بجهت خاقان مبرور و فخر علی شاه خلد  
 فرستاده بودند با و دادند که بهند و ستان بر راه بند را  
 و شیر از طهران بیاورد توپهای مزبور را آورده و پس از آن در  
 خدمت مرحوم نایب لطنه در آذربایجان مشغول بر پا کردن توپخانه  
 گردید و توپخانه را چنان تنظیم کرد و اندک صاحب منصبی که  
 فرنگستان می آمدند و سر شسته از توپخانه و شسته توپخانه آذر  
 بایجان را مقابل بعضی از توپخانه های فرنگستان شمرند و ملاک  
 لرزی صاحب ولایت نکلینس وقف اگر اولاد ذکر بود در آن وقت  
 که در سر توپخانه آذربایجان بود ملاک مزبور نظر بان قرار داد و با مشغول  
 و از خدمت استعفا کرده بولایت نکلینس سر ملاک خود رفت تا وقت  
 شنید که مرحوم نایب لطنه بفرادین جهان شتافته اند بجا پاری از  
 ولایت نکلینس بایران آمد و در عهد شاه شاهت آرامگاه محمد شاه  
 مرحوم در صفحات شیراز خدمات نمایان کرد و معانی این دولت است  
 صداقت و خدمات او بسیار در نظر دشمنان مانده بود کمال عزت  
 احترام را با و میکردند و بعد از فوتش در برداشتن جنازه او هم فوج  
 حرمت قاعده نظام و منصبی که داشت در برداشته بکسیر و کفتر  
 نایب اجودان باشی و دو مرتبه چند نفر صاحب منصبان دیگر با کلا  
 دار آنخلافت و نوکرهای مقرب در شیع و تدفین جنازه او حاضر شدند در  
 مختار دوستین نکلینس در و ش و کل صاحب منصبان سفارت

بودند و نهایت احترام و قدر کردن او معمول داشتند

### سایر بلاد و محروم

در مشهد مقدس نواب حسام السلطنه والی خراسان قرار داده اند که یک نفر نایب باده نفر فرانس از طوع آفتاب الی سه چهار ساعت از شب گذشته در جمع شهر و بازار با گردش کنند که هر جا کسی خواسته باشد تقدی و بی حسابی بکنند و بگیرند و مانع شوند و این معنی بر بنیت شهر بسیار افزوده است

چند منزل از منازل عرض راه خراسان بسبب اینکه متعیر ترکان است قدری مخوف بود و برای شتر دین عبور و مرور از آن راهها خالی آن صعبت نبوده و لیای دولت علییه عباسقلی خان میرنچه را که دار اختلافه بجهت انتظام امور قشون خراسان مأمور نمودند چند عراده توپ با توپچی بفرستادند که در آنجا که در منازل عرض راه هر جا که لازم باشد توپ و توپچی با حفظ بگذارد تا امنیت و آسایش برای شتر دین حاصل آید این روزها که روزنامه انصافیات آمده معلوم شد که سنگنه الهاک را که در ایام قدرت از خوف و وحشت ترکان بجا می دیگر برکنده شده بودند آورده بر سر جای خودشان نشاندند و یک عراده توپ با توپچیان تبریزی در آنجا و یک عراده توپ با توپچیان خرقانی در میان دشت و یک عراده توپ با توپچیان بهار لود در دهانه زیدند گذاشته اند و رعیت زیدند که متفرق شده بودند جمع آوری کرده در سر جای خودشان نشاندند و حالا آن راههایی که خوف دشت کمال مهت دارد

چون این اوقات ایام شکار کن و اعتدال هوای آنجا است لهذا سرکار اعلیحضرت پادشاهی بنا دارند که در هفته آینده بشارگاه کن تشریف فرما شوند و چند روزی در آنجا توقف خواهند داشت

نظر بانیکه از موجب سالیانه قشون حاضر رکاب قدری فانی بود این اوقات که نزدیک باختر سال است جمع قشون رکابی از روز بروز همه روزه در میدان در ب خانه در پیش و بی اطاق نظام حاضر میکنند در حضور محمود خان نایب اول بود آن باشی و جمیع لشکر نویسان نفر بنفر که موجب سالیانه هر یک رومی پردازند بعضی گرفته اند تمام شده و برخی را در کارند میدهند

### احوال دولت خارجه

انگلیس در تاریخ هفدهم ماه دیکمبر که مطابق سیزدهم صفر ۱۲۶۷ می باشد بعضی از خوانین مشورتخانه پادشاه حسب حکم پادشاهی به اطاق مشورتخانه آمدند و چونکه پادشاه حکم کرده بود که مشورتخانه خوانین و وکلای رعایا در آنروز در پای تخت جمع بشوند حکم کردند بشیک قاسمی که وکلای رعایا را خبر کند که آمده فرمایش پادشاهی را از زبان خوانین بشنوند خود پادشاه حضور داشت تا تحت سلطنت در همان اطاق بود و چونکه قاعده این است که تختی که در این اطاق هست در اکثر اوقات که پادشاه حضورند آشته باشد پارچه زرینی که اینبار روی تخت میکشند تا چونکه خوانین از جانب پادشاه وکیل بودند و فرمایش پادشاه را اعلام میکردند پارچه زرینی تخت را برداشته بودند مانند اینکه منتظر آمدن خود پادشاه بوده باشند و قسید وکلای رعایا آمده بودند یکی از خوانین وکلای پادشاه فرمان پادشاهی را که در باب وکالت خود او بود خوانده و بعد گفته بود که فرمایش پادشاه این است که اهل دو مشورتخانه را که احضار کرده بودیم که امروز بجهت امورات دولتی جمع بشوند آمدن آنها لازم نیست اما در چهارم ماه فیسواری که مطابق دویم ربیع الثانی میباشد

باید کلاً در پای تخت حاضر شوند و مشغول شغلی که با آنها  
محول خواهد شد باشند

بتاریخ ۳ ماه صفر از انگلیس نوشته اند که چند نفر از وزرا  
که اسامی آنها باین تفصیل است لار و کرتی لار و کلار و دن  
و ستر چارلز و و دار پا و شاه استعدای استعفا کرده بودند  
و بجان میکنند که سبب این استعدای این باشد که سبب  
اینها و بعضی وزرای دیگر در خصوص پاره امورات دولتی  
صرف مخالف بود و غیر ازین در آن ولایت اخباری  
دیگر نبود که تحریر آن لازم باشد

فرانسه

مذتی میشود که کشتیهای بخار از شهر فرستیلین تا ساحل مملکت  
ایتالیا و جزیره مالت و جزایر یونان و شهرها و اطراف  
آن مملکت و اسلامبول حرکت و آمد و رفت مینمایند که  
این کشتیها سیاح و بار تجار تی بر میدارند لکن همه  
مال دولت بودند در شور تخانه وزرا درین روزها گفتگویی  
شده است که گشتی دولتی دیگر روانه نکنند این شغل بخلق  
واگذارند اگر چه درین روزها متخواجه بجهت اخراجات کشتیها  
مزبور از دیوان داده اند اما خبر کرده اند که در فصل بهار  
سال آئینده فرستادن کشتیهای دولتی مان  
سوقوف می شود و از خلق هر کس که باشد اذونت که گشتی  
روانده نماید

امیرالرومان و فاسته بر کردکی قشون بھری دولت فرانس  
ساکن آق دیکر منصوب شده

موسیو مانتن دلاراک از شهر برنت بیرون رفته بود که بآ  
دیکر برود بر کردکی قشون بھری مزبور با و مخالف

و طوفان برخواست مراجعت بشهر برت کرد و حال امورات  
بسر کردکی گشتی جنگی و قشون بھری که مابین جنگی دنیا  
شمالی و جنوبی گشت میکنند

احوال استستان و سایر ممالک یورپ  
میکویند که چونکه در شهر دزدان بنا هست که و کلار و دن  
استستان جمع بشوند هر طور استریه یکی از صاحب منصبان  
مقرب خود را به نزد پادشاه پروشیه فرستاده است  
و پادشاه پروشیه تکلیف کرده است که بشهر دزدان  
بیاید که در آنجا یکدیگر را ملاقات نمایند معلوم نیست که  
پادشاه پروشیه این تکلیف را قبول کرده باشد یا نه

از شهر برلین نوشته اند بتاریخ نهم صفر که در آن روزها خبر بخار  
رسیده بود که ژنرال واندرمارست سر کرده قشون آلمانی  
تدارک میدید که باز با قشون پادشاه و بیمارک  
جنگ عظیم نماید منای دولت پروشیه صاحب منصبی  
بزرگ ژنرال مزبور فرستادند و مانع این عمل شدند زیرا که  
اگر جنگ عظیم میسر دند و پادشاه و بیمارک شکست بخورد  
جای ایستادگی بجهت آلمانی نمایانند و قشون پادشاه و بیمارک  
کل آن ولایت را متصرف می شد و ژنرال مزبور از اعلام کرد  
که اگر نصیحت آنها را قبول نکنند و جنگ نماید شکست  
بخورد و دیگر مستطر حمایت از منای دولت پروشیه بناید

بعضی از پادشاهان استستان خواهش کرده بودند که جمع آوری  
و کلای پادشاهان در شهر دزدان چند روز تعیین بنمایند  
پروشیه قبول نکرد و کلای مزبور بجای امورات خود رفتند

احوال متفرقه یک صاحب منصب فرانسه که مدتی در  
 کینتونیکی و نیای جنوبی توقف و در ولایات آن طرف  
 سیاحت کرده است بعضی از کتب قدیم که اهل اسپانیول که اول  
 باین ولایت قدم برداشتند نوشته اند همراه خود بهر پارسی آورده است  
 و بعضی از سنگهای ترشیده و غیره نیز که از آنجا پیدا کرده بوده است  
 آورده و چونکه پیش از رفتن اهل فرانستان بینگی دنیا تاریخ اهل  
 آن ولایت نامعلوم است میان دانایان فرانستان که در علم تاریخ  
 استحصار دارند بحث و مکالمات زیاد شده که اول آنخاصی که این  
 آبا و کرده اند از کدام سمت دنیا آمده اند این نوشته است و غیره که  
 این صاحب منصب همراه خود آورده است معلوم و ثابت میشود که  
 بعضی از ممالک نیکی و نیای جنوبی بسیار قدیم باد است بلکه در  
 قراچه مصر آبادی درین ولایت بود و از آثار قدیم که در آنجا  
 دیده اند معلوم می شود که بعضی از سکنه آنجا دول بزرگ بوده اند  
 و بعضی از صنایع سرآمد سا بابل دنیا بوده اند  
 شخصی نزدیک بهر نیویارک نیکی و نیای شمالی کشتی بیونی را که بولون  
 می نامند بطوری اختراع کرده است که مهار او با جت بسیار آدمی  
 که در او می نشیند باشد روزی اهل شهر را اعلام کرده بود  
 که بیرون آمده تماشا می کشتی مزبور را نمایند و در ساختن این بولون  
 اختراجات زیاد کرده بود چهار ساعت بعد از ظهر بولون  
 از بخار پر بود و حاضر حرکت بود آن شخص فته و به بولون مزبور  
 نشست خلق دیدند که در دو طرف بولون دو چرخ مثل  
 آسیاب بادی ساخته است و میخواهد با آنها حرکت دهد  
 و مهار هم دارد مثل جلو کشتیهای آبی که این جلو این بولون بود  
 عوض چوب از کربس ساخته بود بولون را که در آنجا در عرض نیکی  
 بالا برد و در آن نزدیک بیان نهر آب افتاد و خود آن شخص هم

در میان او بود تا که بیان آب رفت طناب بزرگی را بولون بس  
 کشیدند و بجای او شش آوردند و باز بخار در میانش جمع کردند  
 که پر زور بالا برد و درین بین یکی از طنابهای او کسینجه شخصی که  
 طناب دیگر در دستش بود از آنرا که ترسید که بولون او را بهر آورد  
 طناب را از دست رها کرد بولون مثل تیر که از کمان بجهت بیرون رفت  
 صاحبش در زمین حیران مانده و به بولون نگاه میکرد  
 یک شخصی دیگر هم در همان شهر با بولونی بطرح دیگر اختراع کرده  
 بولونی ساخته است که بدوش خود می بندد و بیقصد و زور ندارد که او را  
 بجای از زمین بردارد اما با حرکت پا که لنگ زمین میزند بولون بجهت خود  
 هم دو بال مثل بال مرغ بد و بازوی خود بسته است و به نظریه  
 از صد قدم تا دوست قدم بجهت که این بولون را اختراع کرده است  
 مکان میبرد که در سفرها در کوهها و در راه و جاهای سخت بسیار  
 بیاید و خودش گفته است که با این بولون از چند فرسخ جنجلی و سخت کلج  
 گذشته و در همه جا در وقت نزول و صعود بر زمین نیامده و پای  
 خود را بر درختها گذاشته و باز بلند شده ام  
 شخصی در یکی از قصبه های فرانسه تفنگ برشته بوده و بسیار  
 سکت شکاری پیاده بشکار بیرون رفته بود و میگویند که آن روز  
 بازن خود و عوا کرده بود دست تا دور و بعد از آن روز میگذشته  
 در درون ششم مردم در پی او با طرف گردش کرده بعد از آن  
 زیاد نعلش او را یافتند و طلب که در آنجا بوده است گفته است که  
 ایشان از ناخوشی سکت مرده دست بروی دوز نوشته بوده و تفنگ هم  
 در دستش بوده است و در کهای خزان در خنبار روی او ریخته بوده است  
 سکت شکاری که همسره او بوده حامله بوده و در آنجا پنج بچه زاده  
 ما وجود سه روز که سنگی با در نعلش صاحب خود دست کشیده بوده است  
 شخصی که آنجا بوده پنجای آن سکت برشته رفته که بلکه سکت نعلش در دستش

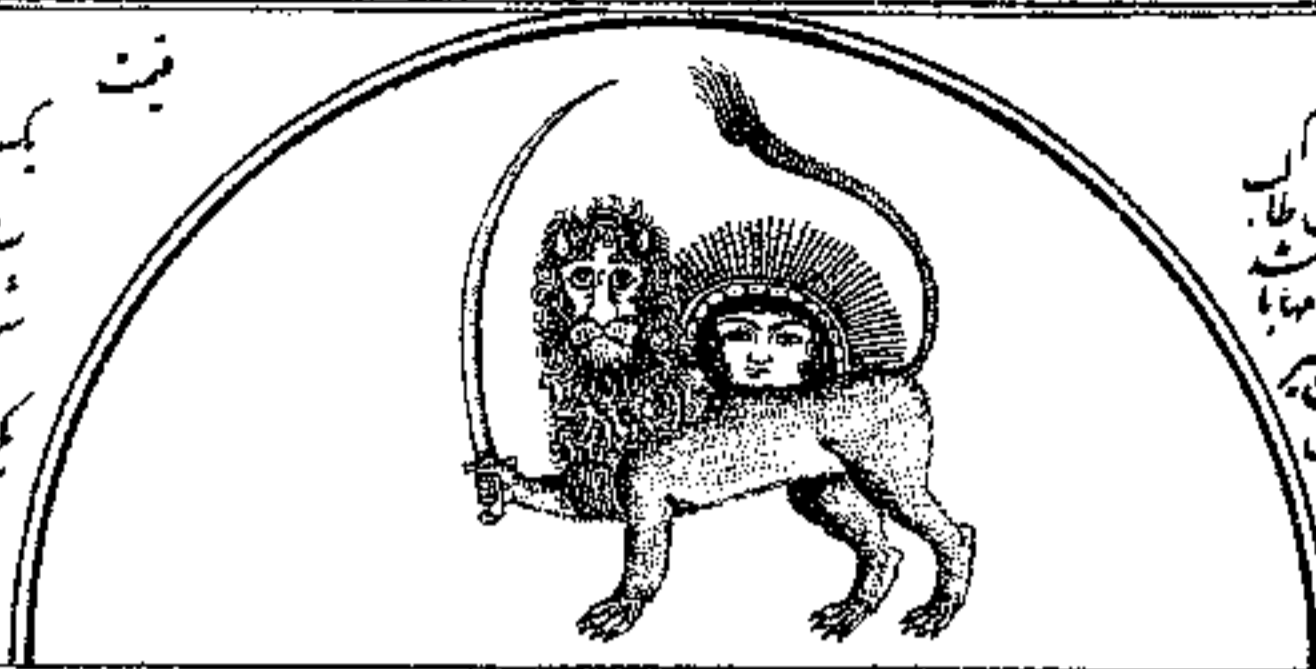
او بیاید قدری بعقب بچهای خود سه سر آن شخص آمد بازگشته  
 بجهت محافظت نفس صاحب خودش بر جازه و رفت مردمانی که  
 در راه آن سمت تردد میکردند دیدند که سکی تعجیل و اضطراب  
 می آید و باز آن جناب بر سبک در دکان کردند که شکار دیده است  
 بعد معلوم شد که بجهت اعلام مترودین می آمده است که نفس  
 صاحب خود را با نفس بماند  
 در نزدیکی شهر نیویارک کشتی بود که بار تجارتنی داشت طوفان  
 بارعد و برق شده بود و برق اول بدکل کشتی خورده و میان  
 اینبار کشتی رفته در آنجا قوطی بزرگ پر از کبریت فرنگی بود از او گذشته  
 و سر تا سر قوطی زد و سوخ کرده تا یک کبریت شش نگرفت  
 در طاق کشتی میزی بود کاغذهای روی میز را آتش زد و دو نفر  
 کشیشان که در آنجا خوابیده بودند بیهوش شدند و برق از  
 اینبار کشتی گذشته میان آب رفت  
 طلای فرادان که از مملکت کلنی فارنیای سکی دنیا آورده اند  
 و بسیار مالک روی زمین برده اند در بعضی ممالک تفاوت  
 در قیمت طلا بهم رسیده و تنزل کرده است و در مملکت فرانسه چونکه  
 اسمای دولت رسیدند که بیشتر تنزل بکنند حکم کردند که حساب  
 داو دست در پول نقره باشد و در مملکت فرانسه نیز تنزل کرده است  
 پول طلائی که دارند سابقا دو تومان پول ایران قیمت داشت و  
 اکثر اوقات صرف جزوی هم داشت حال چنین تنزل کرد  
 که از نوزده هزار و ده شاه پیشت بر بنیدارند در مملکت هم  
 وززانشته اند و بحث و مشورت مینمایند که آیا اصلاح  
 فرانسه هست که آنها نیز در باب طلا چنین حکمی  
 که اهل پالند داده اند بدینسانه امار  
 ولایت انگلیس طلا فراوان نیست و تنزل نگردد

سابقا در ولایت انگلیس شیشه کرخانه توجیه زیاد داشت شیشه  
 و بلور در آن ولایت بسیار گران بود چند سال پیش ازین منای  
 دولت صلاح دیدند که توجیه شیشه کرخانه را بر دارند و کارخانه  
 موقوف کردند و چونکه صنعت کاران در ساختن شیشه و بلور بسیار  
 کامل شده اند شیشه و بلور بسیار ارزان و فراوان شده است بجهت  
 که بنا کنند شیشه اند که بالایی بعضی با همساز از شیشه سازند  
 از آنجمله درین روزها در یکطرف شهر لندن بازاری ساخته اند  
 که طاق او کلا از شیشه است و شبها بازار مزبور را با قندیلهای  
 الوان روشن میکنند زینت تمام دارد و تا بحال جا مانده که باید  
 ساخته اند یکی این بازار است و یکی هم عمارت بزرگی که در  
 نزدیکی شهر لندن ساخته اند بجهت که شستن اقمشه و نقایس هر کشتی  
 با بطوری که نوشته اند بعد ازین متداول خواهد شد  
 در خصوص طلا که از رودخانه های کلنی فارنیای سکی دنیا آورده اند  
 در هر روز نامر با اختلاف می نویسند و چونکه مردم از اطراف عالم  
 با آنها میروند نه حساب ازین مردم می شود و نه بر شماری آنها  
 موافق کاغذ می که درین روزها از آنجا نوشته اند در پنجاه  
 تابستان و پانزده شته طلائی که از کل آن ولایت در آورده اند  
 تخمینا چهل کرد و پول ایران می شود و جمعیتی که در آنجا مشغول  
 طلا در آوردن هستند نزدیک به نود هزار کس میدانند در مملکت  
 چندان کاری کنند بسبب سردی هوا و شدت سرمای وقت  
 کارشان بکاه یا چهل و زار عمده رفته تا آخر پاییز است  
 در معادن زغال سنگی که در فرانستان بسیار کوه میشود  
 بخاری در سرا و جمع میشود که برسیدن آتش با و مثل باروت پیش  
 میگرد و درین روزها در ولایت انگلیس یکی از معادن مزبور در بلوک  
 آتش گرفته و چند نفر مالاک شدند



روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ جمعه سیتم شهریور سال اول مطابق سال اینجیل ۱۲۶۷

نومره پنجم  
بر کس در طهران طالب  
نخواهین روزنامهها  
در بازار در دکان  
سه کاهم بر فروش  
فردمشه میشود



بیک نشه و شاهای  
سه شش هزار  
شش و یک تومان  
یکسال و دو تومان چهار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روزنامه هفتگشته که نوشته شده بر سر کار علیحده است  
پادشاهی بجهت اعدال هوا چند روزی بشکار کا کن تشریف  
خواند بر در روز سه شنبه سلج شهر ریچ لسانی تشریف  
شدند

بعضی از معارف پیروان ملا محمد علی می طعون بانی را که محمد خان  
میر خجسته جو ساسم را خود آورده بود چهار نفر از آنها  
که مصدر رفته و خوزری و مشا اغلب فساد آن ملعون بود  
از جمله میر رضا نام لقب سردار و یکی دیگر فاش غیب آن  
ملعون که شهر برزین اتباع او بودند در روز یکشنبه بیستم  
شهر ریچ لسانی با شارت علیحده پادشاهی در پای قاپون  
کردن زدند

سایر ممالک محروسه

از فرار یک در روزنامه دارالخلافه تبریز نوشته اند که بی  
در محله تبریز و خرم در از دو کشته بود و اب حسته الله و له

صاحب اختیار آذربایجان زن مزبور را احضار نمود و  
تحتین مراتب فرمودند عرض کرده بود که دختر من هرزگی میکند  
و بخانه این و آن میرفت باره نصیبی کردم سوودی نخشید  
بغیر تم بختی زدوم و کستم  
بر حسب فراری که اولیای دولت علیه داده اند که فوج جدید  
خلخال با دوسه فوج دیگر هیئت در دارالخلافه تبریز حاضر است  
نظامی کشته در تعلیم آداب و فنون نظام استقام نمایند  
و اب حسته الله و له این روزها صاحب منصب نظامی نامور و فوج  
جدید خلخال را به دارالخلافه تبریز برای مشق و تعلیم فنون حده  
احضار کرده اند

از معدن مس فراچه داغ از استقام دولت علیه قطع کرده است  
از فرار یک میر آقاسی خان با شمر عمل معادن فراچه داغ در بوشان  
خود اظهار کرده بود استاد و عمده که آشته پول داده و معده  
بکار انداخته و مشغول کار می شد و حال است خروار مس آب کرده  
خالص و معدن موجود است و باز در کارند و این روزها نواب  
حسته الله و له نوشته بود که گشت خروار مس آب کرده را که در

موجود است اگر ایلی دولت اذن پند آورده و دو  
توپ بزرگ بریزند

از عدالت و سیاست او ایلی دولت علیه در روزنامه  
و نظام نوشته بودند که توپچان نامور خراسان در راهها  
بسیار با نظم و قاعده راه رفته اند محمد علی بیگ باور آنها  
در کاروانسرای شاه رود دیده بود که یک نفر توپچی  
روشن کرده است بصورتیکه از باغات و درختها همه  
شاید آورده باشد خوشه بود او را تیبیه که توپچان  
مترجم شده قسم یاد کرده بود که این حسینم را به پول خرید  
بعد معلوم شد که راست بوده و به پول خرید بوده است

در روزنامه سنان نوشته اند که در ایراج که محال خندق  
سبزی شیردانم نوشته بود او را آورده غسل  
بعد از غسل خواسته که از روی تخت برود کفن باشد  
تا گاه از روی تخت حرکت کرده نوشته بخوابان خود  
بروید محمد رضا بیگ که خدا را حاضر نماید او را  
آورده بودند و میت گفته بود که ده تومان از فلان شخص  
وزید هم هفت تومان از ملک خرید هم سه تومان  
هم الاغی خرید هم والاغ را فرستاده ام کندم پادشاه  
آن ملک والاغ را صاحب شواء بپسید بعد از انعام این  
گفتگوما دراز شده و در بان بجات مرگ خود کرده است

در روزنامه ارض اقدس نوشته اند که از هشتاد تا سیست  
شهر بوزخیت نام دارد کسانی در سالهای گذشته  
خوف اغتاشش با از بی خبری از شهر مشهد سپردن

از استماع هشتاد و اینت انجا از کربلای معلی و ولایات دیگر  
مراحت کرده روز بروز وارد مشهد میشوند دزدی و چپانی  
کم است و اگر بدرت اتفاق بیفتد مال دزدیده شده  
صاحبش میسرود و دزد مورد سیاست میگردد

دوین روز هفت نفر دزد شب بخار رفته خلقات خانه را  
پوشش کرده میردند که نهایی شب با نهار خورده و خسته  
انهار یکدیگرند کلا مالها را ریخته فرار کرده و گریخته بودند صبح  
صاحب مالها پنداشده و امواتشان تسلیم خودشان کردند

در اخبار فارس نوشته بودند که عباس قلی خان  
حاکم بهمان در آن صفحات بسیار با نظم و تسلط  
راه میرود و آن صفحات را حسیل آسن کرده است  
نونی که از جمله خوانین الواریت که و سابقه جنایت  
و جنایت که با قصای جنایت فطری نسبت بر وقت  
زند او بود و در قفس محکم جمعی که داشت منحصر شده  
سخنست دیوان اقدام میگرد و ولایات دیوان را  
و شتافتند و فساد و قتل نفس شده بود عباس قلی خان  
سه و ارباب سجانی حاکم بهبهان از نوکران سجانی و خا  
دشاک که ریت کرده مانور کرده بود آنها حکم دادند  
که قلع محمد باقر خان را بعلیه کرده و خودش را از بچه کرده  
پیش عباس قلی خان آوردند و پادشاه خلاف  
و خیانتی سابق و نژاد و سرچی و شیطنت که این  
روز داشت عباس قلی خان او را بسیار سزا  
سایر بلوکات فارس امن و آرام بوده است

۲  
۴  
۵

احوال مشرق

کشتی بزرگ جنگی سلطان که بزرگترین کشتی است در بندر  
 پیش ازین در لشکرگاه اسلامبول غرق شده بود و یک کشتی  
 صاحب منصب فرانسه درین باب تعهد کرده و یاد دولت  
 عثمانی شرط بسته که کشتی نماید که هر چه از اسباب جنگی  
 که در آب محبوب نشود باشد بیرون بیاورد و باین قرار که هر  
 از توپخانه اسباب و بیخ و آهن سوای توپهای آهنی در  
 نصف مال او و نصف مال دولت باشد اسباب چوب  
 بیرون بیاورد و یک ثلث مال او و دو ثلث مال دولت باشد  
 توپهای آهنی را هر چه بیرون بیاورد در توپخانه بیاید  
 پول انگلیس که چهل و پنج تومان پول ایران باشد از دولت  
 من التی بگردانند و این هندس چونکه درین کار مشهور است  
 بجنوس بیرون آوردن کشتی جنگی و بنانی که چند  
 پیش ازین غرق شده بود و هم چنین در بیرون آوردن توپخانه  
 برنجی که درین زوکیها در زوکی توپخانه اسلامبول از دریا  
 بیرون آورد که دینت هزاره شش پول روم که چهار هزار  
 تومان پول ایران است قیمت توپهای بیرون آورده شده بود  
 جهات ایستگلی دارند که در بیرون آوردن اسباب جنگی  
 بر توپخانه بر آید

کشتیهای جنگی پادشاه انگلیس که مدتی بود در آق و دیگر  
 سکر و درین روز نامه حاجت بجزیره مانده کردند و چونکه  
 اگر داد استند و معاطات آنجا با قشون بجزیت از جهت  
 کشتیهای مزبور بسیار خورسندی و دمانی میکردند و چون  
 بود که بود چهارده کشتی بجا که در لشکرگاه بود بیرون  
 که کشتیهای بزرگ را با آنها بسته بمان لنگرگاه میباشند

این کشتیها با قشون بجزی که در میان شان است در زیر حکومت  
 سرتوتیم بازگرسپاس شدند و در ایام الاوقات در میان آق و دیگر  
 که کشتی بنمایند

در یکی از روزنامه های پاریس نوشته اند که مغربین در  
 بسیاری در مملکت سوسیس جمع شده اند و از آنجا بفرانسه  
 و ایتالیا و سایر ممالک آن اطراف کاغذ میفرستند و در آن کشتی  
 که اگر مجال بیابند با زرافه و کبکند لند و گلای دول که در  
 شهر در زون جمع شده اند بعد از آنکه قزاقی در امور آن  
 که داشته بنا دارند و غن نمایند که مغربین را مملکت سوسیس  
 راه نمهند و آمد و رفت آنها از اولایت موقوف باشد

در همان روزنامه نوشته اند که البته آنها که از تاریخ اطلاع  
 دارند میدانند که وقتی که ناپلین بکلیت بجزیره ستریه  
 حمله خود عده ای بود پرسن شواریت زن بوق که از جانب  
 هر اطراف ستریه در پاریس ایچی بود معانی بزرگ کرده بود که در آن  
 معانی اکثر خرابی فرانه حضور داشتند و درین میان اطراف  
 اش گرفت طغی در این افا دیکی از زخمهای کسان ایچی مزبور  
 آن طفل را بسلامت بیرون آورد اما خود آن زن هلاک شد و  
 آن طفل حالا پرسن شواریت زن بوق و بزرگ بزرگ هر اطراف  
 استریه است

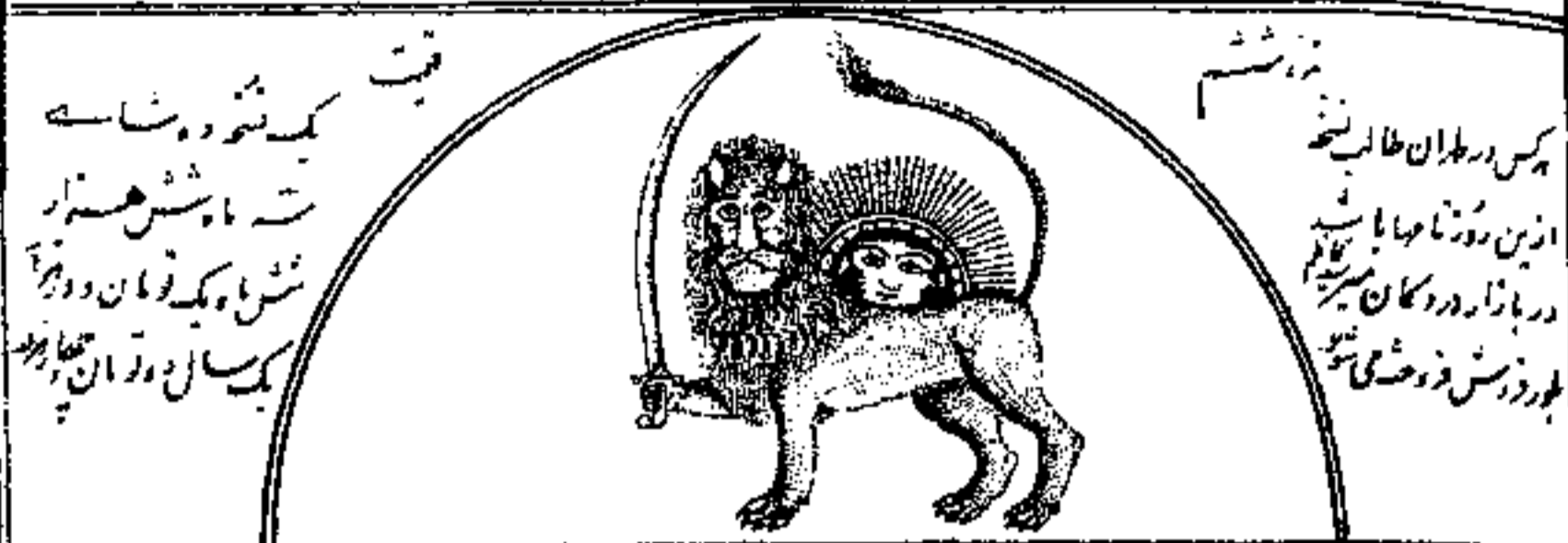
در یکی از روزنامه های انگلیس که کستن متر میسند در  
 هندوستان باین طور نوشته اند که ممالک هندوستان که  
 الان در دست دولت انگلیس است پنج و سی و پنج  
 انگلیس میشود و پست و پنج درجه عرض دینا که تخمیناً  
 و معاد و پنج فرسخ باشد طول دارد و در بعضی این ممالک

فضل نایبان و رشتان محکوم است بکه بعضی جاها چنان  
 فصل در وقت خود است اما سمت جنوب این مملکت  
 و ایم الاوقات مانند نایبان است هوای گرم و درختها  
 پهن و قبی بی برگ نباشد سکنه این ممالک هم مانند  
 در این شریف العبادند در خود بند و سمان غیر از خرد  
 که یک شمش قبیله بزرگ اند که هر که ام چینه کرد و جمعیت  
 و زبان و اخلاق و طرز هر یک مختلف است آنطرف هندوستان  
 اهل اراکن و سیکوان و ملالی و چین اند در این و در سبیل  
 هندوستان که در معرفت دولت انگلیس است آویان و  
 مذاهب مختلفه اند بعضی صیدی از اوقات نصرانی یونان و کون  
 و کمی از ایت پر استند و از مذہب هند و چند قسم اند این  
 قسم بعضی خود را مقابل سک میمانند و بعضی العباد با الله  
 خدای مسکنند و درین ممالک هندوستان پست کرد و  
 بعضی شیعه و برخی سنی و اختلاف و مغایرت در بیان این  
 تیره در آنجا هم است بعضی از هند و ما میله بدو و جا نوکنا  
 پریشان بوده باشند و اینها اعتقاد پست ندارند و  
 که پست این است که آدمی معصوم شود و آنها که از این  
 در هندوستان اندریدگان فوش نام که پریشان بوده باشند  
 و اعتقادشان این است که در باب پست آن دنیا شکیک  
 دارند و پست را در همین دنیا میدانند ایضا ممالک سبیل مختلفه  
 و در زیر حکم یک نفر انگلیس است که گوئی جزا ال سبیلان که معنی آن  
 زمانه است و اقتدر از هندوستان که در تصرف دولت  
 انگلیس است چنانچه جای حاکم انگلیس تقسیم شده و در زیر حکم  
 مزبور است یعنی بنجال و مدرس و بنیانی و ممالک شمال مغربی  
 و در بنجال حاکم نیست که خود فرمانروا چون کشمیر چو کشمیر

امورات این مملکت در دست خود است و اهل شورخانه خود است  
 در کش و بنیانی هر یک حاکم جداگانه از جانب فرمانرواست  
 قشون جداگانه و محاسبات مالیات دیوانی جداگانه است و  
 ممالک سمت شمال مغربی نیز در دست حاکم جداگانه از جانب فرمانرواست  
 مزبور است اما قشون و نوکر در آن با بنجال از بنجال و سمان  
 بنجال در حاصل از کل ممالک هندوستان پیش حاصل آورده  
 و در جنگ و دست پانین رود خانه کبیر یا کنگ که پیر دوک  
 خوانن شود واقع است و سمان و کور و جمعیت دارد و کبیر  
 در سمت بنجال تسلط یافتند بکه سبیلان ولایت و اویان  
 حاصل آنجا کم گوشت کردند تا اولاد پادشاهان هندوستان  
 که از طلا بفرمودند و از اولاد امیر تیمور که گران بودند آخر  
 انگلیس شدند مالیات آنها را از هندوستان که در دست  
 تخمینا سالی صد و چهل و پنج هزار پونل ایران میشود  
 این مالیات اکثر سالها در خود هندوستان مخارج دیوانی میشود  
 بعضی سالها چیزی زیاد می آید و بعضی سالها هم کم می آید  
 بعد از صد سال جنگ سخت و زحمت زیاد حاصل شد این سمان  
 که هر چه از هندوستان گرفته میشود در خود آن ولایت خرج میشود

یکی از تجارت بزرگ ولایت انگلیس می گریست بسیار نفع بر جای  
 آنجا بسیار بعضی تاز باز بفرود می رود و بعضی را می شور کرده است  
 آن ولایت صرف میکنند و هم مخارج بفرودش می رود و در آخر  
 که شده شکار بعضی جاها بسیار شده بود و خصوصاً در آن  
 از دولت نایبان تا آخر پانزدهم و آن شود کشتیهای می گریست  
 هر یک بفرود بنجا و شصت و هفت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 چهار هزار ساله می کرد و بود و هر چه در و در آن ولایت

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ جمعه هشتم شهریور سال اول مطابق سال ایتیل ۱۲۶۷



اجار و اخذ ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

سرکار اعلیحضرت پادشاهی که بشارگاه کن تشرف برده بود  
بسم الله تعالی در بشارگاه سپاه خوش گذشته بود و در روز  
دوشنبه ششم وارد دارالخلافه شد

شیخ خان نایب اجودان باشی که مانور مصلحت گذاری و  
وقف لندن بود در روز شنبه چهارم ماه در حضور شرفیت

علیحان مرتب فراگرد که با صاحب منصبان فرج در کباب  
بودند در حضور شده غمگین که مذاکره خود را دیده کسر فرج را  
تمام کرده بزودی تالیست سی روز بعد از عید بکرمان برودند

این روزها از شالهای خوب کرمان بسیار برای صندل  
آوردند و بطوری خوب شده بود که پدایت بسیار وقت  
گشتند معلوم نمایند که کرمانی است یا کشمیری از جمله  
در همان مجلس که شالها را آورده بودند دست نبرد که پیش  
شالشان خریداری شال کشمیری بود حضور داشتند کلمات

کرمانی را در عرض کشمیری با آنها داده بودند و گفته بودند که کرمانی  
یا کشمیری آنها اسم هر چه وقت کرده بودند نتوانسته بودند  
معلوم کنند سهل است بعد از وقت بسیار شال کشمیری داشته  
است اما تومان قیمت کرده بودند بعد از آن آنها که میدیدند گفتند  
کرمانی آنها که شتا و تومان قیمت کرده بودند با و منسکر و  
تا اینکه مدتی نشان کردند که کرمانی است یا بطور شال کرمانی را خوب  
رساند و آنکه با کشمیری مشتبه شود

از اولیای دولت علیه حکم شده است که قیمت اجناس دارالخلافه  
بجای اطلاع خلق کاهگاه در روزنامهها نوشته شود و درین  
ازین فرار است

بازار		قیمت	
عسکری	کودک	ساجده	ساجده
المسافر	المسافر	ساجده	ساجده
ساجده	ساجده	ساجده	ساجده
ساجده	ساجده	ساجده	ساجده
ساجده	ساجده	ساجده	ساجده
ساجده	ساجده	ساجده	ساجده
ساجده	ساجده	ساجده	ساجده
ساجده	ساجده	ساجده	ساجده
ساجده	ساجده	ساجده	ساجده

# سایر مالک محروس

میرزا جعفر خان شیرالده که در روز اول بود این روزها

غیبت معاودت محرمه داشته

نواب عالم میرزا که حکومت لرستان و عربستان و  
نامور شده بود نواب ایلیزیم میرزا برادر کوچک خود را  
از جانب خود نیابت حکومت لرستان نامور نموده  
در آنجا گذاشته و خود شش بعربستان رفت

عبدالله خان صارم الدوله از کرمان بطرف پشاور  
بود از فرار یک خبر رسید بعد از ورود و بیست و هفت روز  
بشاور الصیحات داده و در ذرع و نس خالصه جان  
کمال اهتمام همی نموده و آن صحفاتی این اوقات  
نظم را دارد و درین روزها از نظام امور آنجا  
حاصل نموده است معاودت خواهد کرد

از آنجا که اولیای دولت علیه در نظم راهها و امنیت  
اهتمام تمام دارند برای سده راه هرزگی طایفه بلوچ  
جازه سواری داده اند که همیشه متوجه محاربت و محاربت  
راهها بوده راه هرزگی بلوچ را مسدود دارند این اوقات  
آنجا را با اختلاف احضار نموده بودند و در دستند که  
آنها را دین فرار درستی در کارشان داده روانه نمایند

طایفه بلوچ متوقف سیستان سپاه خود سری و هرزگی آغاز  
کرده در روزی در این شتی داشته اند از فرار یک  
انجا متواتر رسید چنان معلوم شود که بار محمد خان  
باجازه اولیای دولت علیه جمعی از بهرات بر سر آنجا  
چند قلعه از آنجا گرفته قبیله و گوشتال درستی با آنها داده

و از این جهت اسودگی کلی برای مالی ولایات هموار نخواهد  
خواهد کردید

علی نامق افندی که از دولت روم نامور اقامت دولت ایران  
در روز و دوشنبه پست و هفتم ماه رجب لسانی وارد تبریز شده  
یک هفته در آنجا خواهد ماند و بعد از آن روانه اراک خواهد شد

## احوال دول خارج

در ولایت انگلیس چونکه خوامین مشورتخانه و دکلاهی رعایا  
پای تحت جمع نشده بود نه از ولایت چندان خبری نیست  
به دل خارج داشته باشد در روزنامه اولایت اگر خبر  
بود در خصوص ساختن راههای آهن بجهت نزدیک کالکسکس  
اندر کشی بخارج خصوص از ولایت انگلیس تا بسکی و نیاسا  
لشی بخارج که از ولایت انگلیس بسکی دنیا میرفت با از شهر  
لوز پل روانی شده یا از یکی از شهرهای دیگر انگلیس  
حالا نزدیک میان انگلیس و بسکی دنیا زیاد شده است  
آنچه ممکن باشد راهها را از نزدیکتر نمایند و چونکه در  
گاه طوفان است و کاه هوا اعتدال دارد میخوانند در عرض  
کشتیها از شهر لوز پل روانی شده و نسبت شمال مملکت  
میرفتند سیاح و غیره که میخواستند از لوز پل بسکی دنیا بروند  
براه دریا بمنزل اول مملکت ایرلند بروند و از سمت مشرق  
ایرلند هم راه آهن بجهت کالکسکس بخارج رفته و از کنار دریا  
سمت مغرب ایرلند کشتیها بکبر روانه بسکی دنیا میشوند اگر چنین  
بکبر و کوبانند و سیاح و غیره از ولایت انگلیس تا بسکی دنیا  
چند روز شادت بگذرند و در رفت و آمد بشود

در یکی از روزنامه های انگلیس نوشته اند که موافق شماری که  
در ولایت انگلیس کرده اند معلوم شده است که مردم

و کوهستان و غیره از اهل شهر زیاد تر عسری کنند در  
 این خصوص طبیبان فکر زیاد کرده اند آنچه حسدشان شده  
 این است که پروردن اطفال در شهر بسیار مشکل است و از  
 مادر که متولد میشوند در شهرستان بیشتر از دوات میمیرند و کسانیکه  
 تولدشان در دوات و کوهستان شده بشهر که می آیند زیادتر  
 از اطفال شهری عسرو دوام دارند سیبهای بدی آب  
 و هوای شهر ابله نمیدانند اما بعضی چیزها را که فهمیده اند از  
 جمله جمعیت زیاد در خانه های که یک و دو چهای تنگ و پیچیده  
 خصوصاً چهای که رویشان پوشیده است و درونی و  
 هوا با بخار راه ندارد و بویهای بد و هوای کندی و آب مستحق  
 در درنگان نهی سازند که کل فاضلابیان نیز در پنجه پیر  
 شهر می رود و در هر کج که این غم را درستی سازند ناخوشی زیاد  
 میشود و مردشان کم عسر میشوند و طبیبان بکمان میکنند که  
 که با دقت و پاکیزه نگاه داشتن شهر میشود که آب و هوای شهر  
 مثل آب و هوای دوات میکنند که در شهر بیشتر از دوات در دوات  
 از آنجا میزند اگر طبیبان این خیال را کرده اند اما روزنامه  
 نویسان باور نمی کنند که هر طور که بکنند بتوان هوای شهر را  
 مثل هوای دوات و کوهستان کرد نزدیک به دوات سال  
 پیش ازین که شهر لندن آتش گرفت مهندسی خواست که شهر را  
 وضع دیگر طرح نمایند و بنا کنند خلق بجهت اینکه بکاشان که  
 تعبیر کرد و میاد از کار و کاسبی های خود بازماند قبول  
 کردند و درین ایام آخر شهر را خیلی بهتر کرده اند بخواب  
 کردن که چهای قدیم و وسیع کردن که چهای تازه و نسبت  
 بیشتر مواضع حساب سرشماری طبیبان آب و هوای  
 بهتر کرده و در دوش کمتر تلف شده اند

چونکه مملکت انگلیس را آبادیت و جمعیتش زیاد هر سال بساری  
 از رعایای آنجا بخارج میروند بعضی ممالک دولت انگلیس که  
 که در خارج است میروند و برخی بدولت مسکی و نیامی شایا  
 از یک شهر مملکت ایرلند حساب کرده اند چهل و چهار کشتی که  
 لغز رعایا در میانشان بوده اند روزانه مملکت مسکی دنیا  
 از جمله اجناس نفیس و صنایع خوب کل ممالک دنیا که بجهت  
 نمونه و تشخیص خوب و بد آنها در عمارت و پروردن شهر لندن  
 بنا کرده اند که در چهار سال آینده جمیع آوری  
 نمایند از بند و چین از عجاج تراشید و نپسار چهرهای  
 و یک چینه که رویش مرواری و وزی است و مال نخبه  
 بوده از پنجاب فرستاده بودند که پانزده هزار تومان  
 قیمت کرده اند و یک ستون و اباب همس مال نخبه  
 بوده که سیزده هزار و پانصد تومان قیمت کرده اند در  
 بجوهرالات است  
 و کلای پادشاهان در شهر در زدن جمع شده بودند  
 که گوی قزاقی در انوارات مستان داشتند و لکن چونکه  
 قرار گذاشته اند که تا غیبت گویند و بجای آنجا نروند  
 سبب هو می معلوم نیست که چه قسم که زانده اند  
 در مملکت انگلیس جنگ را موقوف کرده اند اما طرفین  
 و انگلیس قوتشان در مقابل یکدیگر نشسته اند جنگ عظیمی در  
 میانشان شده است که پیش فراولان چون چیمان کاهی با  
 جنگ جزئی کرده اند  
 می کشند که پادشاه اسپانیول بنا داشت چند لغز از

مردول نماید و این جزیر را در اغلب روز نامهای آنجا نوشتند  
 و لکن در جای خود برقرارند و معلوم نیست که پادشاه  
 چنین اراده داشته باشد  
 ناخوشی و باد جزیره چنانکه که یکی از جزایر بر خط استوا  
 چنان مملک شده که در یکی از روزنامهها نوشته اند که یک  
 ربع این آنجا رانگ کرده اول در قصبه پورت رابال  
 برود کرد و از آن شهر کینستان و در فرسخ راه است بعد  
 در کوچه ای شهر کینستان که نزدیک بریا بود برود کرد  
 اکثر اهل این شهر که چهل هزار جمعیت دارد اولاد غلام و کنیز  
 پاشند که اول از مغرب زمین آورده اند و بسیار  
 میشوند شهر بسیار کثیف بود در اول ناخوشی که برود کرد  
 عوق آنکه کاری بکنند که رفع شود چنان خوف کردند  
 که هیچ کاری اقدام کردند همانقدر که ناخوش شدند  
 افتادند و بی معایجه و کوشش تلف کردید و یک ربع  
 از اهل این شهر ازین ناخوشی مرده اند و چون که افتاد  
 ناخوشی داشتند که آنها که زنده بودند نشان میدادند  
 که مرده نماند با قاعده و قانون خودشان دفن نمایند  
 عرابها بیرون آورده در میان شهر گردش میکردند  
 مرده نماند در میان عرابها که داشته بیرون شهر مردگان  
 و زمینها را که کرده همه را بروی هم ریخته خاک بر  
 می ریختند اول دیوانیان معصومین را که مجوس بودند بیرون  
 آوردند و کشتند اگر مرده نماند دفن نمایند در قصبه پورت  
 جستان رفاه خواهد بود آنها از عهد بر نیامدند این نظام  
 حکم کردند که مرده نماند دفن نمایند طبیب در آنجا  
 که بوده اکثر طبیبان تیر که در آنجا بودند از ناخوشی فوت

شد و بودند بعضی از روزنامه نویسان کلیس از نامهای دیوان  
 کلا دارند چون که کلان داشتند که ناخوشی و باد در آن جزیره  
 برود کند و هیچ مدارک کرده بودند در شهر نیو بارک  
 با اینکه دولت جدا گانه و با این عمل مدخلت ندارند  
 بعضی شنیدن ناخوشی و باد جزیره چنانکه روزنامه نویسان  
 سخن اعلام کردند که سخاوتی جسیع آوری نمود و طبیب و  
 و آنچه لازم باشد برای حسن جنبه از راه احسان  
 روانه نمایند و روز دهم حاضر کردند و فرستادند  
 در خود جزیره چنانکه دولت آن آنجا در یک روز هم  
 نومان شتر حجه و دوا مستحوظ مرصها جمع کردند و این بسیار  
 کم بود بعد از آنکه خبر این ناخوشی بود است انگلیس سید اطباء  
 و دوا و آنچه لازم است از آنجا فرستادند اما تا رسیدن  
 آنها ناخوشی در جنبه که تخفیف یافته بود درین خصوص یکی از  
 روزنامه های لندن حساب کرده اند که اگر چه این ناخوشی  
 مئی در اولایت طول کشید اما بیش از صد یک از خلق تلف  
 شدند اما در کینستان چنانکه نوشته اند یک  
 خلق را تلف کرده و در یک شهر که پانزده هزار جمعیت  
 و نام او سکره منظوات حالا شتر از یک هزار و پانصد نفر  
 نمانده اگر چه بسیاری فرار کرده اند اما معلوم است که نصف  
 تلف شده اند در بعضی شهرهای منگی و نیامی و سلمی و سلمی

احوال مسترقه

از مملکت چین نوشته اند که در زمان در یکی از روزنامه های  
 آنجا بسیار بودند و سبب آن جنگ بودند و در وقت  
 تیر زدند و داشتند و اگر عارت آنها از کشتنهای اول صحت که تیر  
 اند و ستان غیره چون که کم وزن است و گران بسیار است



در یکی از روزهای واز که ساقور بنامد اینطور  
 نوشته اند که شخصی در ولایت فرانسه ملک بست که در  
 شکار خوش پروان برقه بود سگی که همراه برده بود  
 چند قدم از او پیشگردد و شمشیر و ناگاه ایستاد و  
 فریاد گشت صاحبش شرفتی بزرگی دید کردن  
 افراشته و چهار پای دیم که یک نزع و یک رنج باشد  
 درازی قد او بود بسیار با و نعلک انداخت کلوله پیش  
 خورده با وجود زخم سنگر متبادر عقب که بسیار داشتند  
 و اضطراب خود را بالای در می کشید افعی چنان چنان  
 پای درخت رساند نگاه بالای درخت کرد و لکن سینه  
 کلوله قوتی در او مانده بود و توانست از درخت بالا برود  
 و گشت و قدری رفته افتاد بعد از مدتی که صیادها خبر گشتند  
 که افعی چنان شده و دیگر حرکت ندارد از درخت فرود آمد  
 او را بریده با تش و چپ خود را از تن جدا کرد و افعی را بکشان  
 و متعلقان خودشان داده بعد از پشت روز که خواستند  
 او را بکند در سرفعی سان پوست و گوشت الماسی ابدار دید که گزینی  
 سجا او را هم از تومان قیمت کرده بودند آن شخص پانسی  
 رفته و کیفیت را به دسته العلوم علی التفضیل بیان کرده بود

در یکی از روزهای انجلس نوشته اند که شخصی در مملکت  
 سکاگندست که در یکی زمین از او پر زور تر کسی دیده شده  
 سگوند و تشن بر تپه ای که دوش خود را بر زیر شکم  
 میزد و آب را نیم نزع از زمین بلند میکرد و این کس از جمله  
 زارعین است و در کوهستان آن مملکت ساکن است

از مملکت مصر نوشته اند که عباس پاشا نایب السلطنه مملکت  
 در عمارتی که نزدیک بوش کوه است سجد شکار آهوی دستی نوشت  
 داشت و چند مرتبه تازی شکاری سجد پاشای تبریز از ولایت  
 انجلس آورده بودند که در همان ولایت انجلس آنها را تازی  
 آهویسانند و با آن تازیها شغال شکار بود و بنا داشتند  
 باندن و والد اش از زیارت پنت الله الحرام مراجعت نماید  
 پاشا درین سفر خمت زیاد کشیده بود کشتی سجاد که سجد او  
 کنار سجده الاخر در شهر سویس حاضر کرده بودند با او جدا متعلقا  
 در او نشسته قدری را انداخته نگاه کشتی بیکل نشست و کم ماند  
 بود که غرق بشود و توشش تمام داشتند درین بین یکی از کشتیهای  
 سجاد ولایت انجلس که از مصر تانمند و ستان کردش غیا بندها  
 ستمها آمد بود و والد پاشا را با او مجامعش کشتی خود را در  
 سجد سلامت رسانید بعد از رسیدن سجد و دیگر سجد نامی  
 و با در آنجا شدت داشت بسیاری از آدمهای او از دماغ  
 ناخوشیها تلف شده بودند و خود و والد پاشا چشم در  
 گرفتند و مسلم نیست که بعد از سجد چشمش خوب بود یا نبود  
 مرد دقت که والد پاشا بصیرت حاجت بکند پاشا بنا دارد که  
 فایده روان شود و چونکه قاعده است که سالی یکده بصیرت  
 از فایده بصیرت خواهد رفت

در شهر سکن دریه نشنظر حسن پاشا میر شورشخانه مملکت مصر بود  
 و حسن پاشا بنا داشت عدالت خانه بر پا نماید که نصف اهل عدالت  
 از اهل فرنگستان باشند و نصف دیگر از اهل خود مصر و  
 اول خارج ساکن سکن دریه راضی باین عمل بودند چونکه بنا  
 گمشکوهی باین فرنگستان با اهل آن ولایت رجوع بسیار



روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ جمعه هفتم شهریور سال اول مطابق آخر سال ایتالیایی ۱۲۰۶

بر کس در طهران طالب نخبه  
ازین روزنامهها باشد  
وردگان میرستید کاظم  
عور فرخوش در بازار  
فروش می شود

قیمت

یک نسخه روزنامه شاه  
سه ماه شش هزار دینار  
شش ماه دوازده هزار دینار  
یک سال دو تومان چهار هزار



اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

در این ایام فرخنده که منجم عید نوروز و اوایل بهار  
فیروز است امشای این دولت علیه و کل چاکران و امالی  
واعیان چنین سبب شکرانه و خورسندی دارند یکی اینکه  
خداوند عالم درین عهد پادشاهی درین دولت علیه حکمران  
دارد که آنی از حفظ ولایت و آسودگی رعیت و امنیت ممالک  
خاطر طوکان را غافل ندارند و امید دارند که خداوند یگانه  
دولتش را برقرار و پاینده و شکستش را بر دوام و قوام  
بدارد که حامی دین اسلام و سبب خیر و آسایش کل  
انام اند دیگر اینکه پارسال این اوقات در بعضی ممالک  
ایران غائبین این دولت علیه بواسطه حیانت و تمکد بجزای  
داشتند بطریق انشای دولت علیه بنور آن نظمی که بایست  
در آنجا نتوانسته بودند مگذارد درین اوقات سجدت  
از هر یک از ولایات که روزنامه و خبری آید از اهتمام  
دولت قوی شوکت علیه همه جا آسودگی و آرام و رعایا و بر  
در سایه اعلی حضرت پادشاهی بحال آسودگی هر کس در  
کار خود برقرار و برقراری بجای خود محکم و استوار است  
بشارت الله این امنیت مستدام و برودام باشد که باعث

شوکت دولت و آسودگی رعیت است

در اول راه افتادن این روزنامهها بعضی از امالی این  
علیه نظر باینکه قانون روزنامه در میان شان متداول  
و محتسبات از انبساط چندین طالب بودند بعد از چند  
که روزنامه قرار گرفت غیر از امشای دولت علیه و صاحب  
نظامی و حکام ولایات که از دولت علیه حکم شد بود که  
روزنامه بگیرند بسیاری اشخاص با رغبت و میل خودشان  
اسامی خود را قلم و نموده و ازین روزنامهها خواهرش کرده  
که هفته ب هفته با آنها نیز برسد که اسحصار حاصل نمایند  
البته در اندای هر کای خوبی آن معلوم نمی شود بعد از آنکه  
قرار گرفت امیدست که روز بروز بهتر شود و خاص و عام از غیاب  
آن بهره باب کرد و آنجا که سیاحت کرده اند و از امور  
دولت خارجه اطلاع دارند میداند که در اگر دولت و در  
زمین هم دولت هم اعیان در رعایا و خاص و عام این  
روزنامهها خیر و منفعت بسیار از آنجا که همشردانی علیه  
پادشاهی بصره در به تربیت امالی و اعیان و رعایا و شجاعت  
و کسبه دولت خود است که برداشتن و پیش آنها بفراید و

کذا ریش داخل و خارج خبردار باشند لهذا به اطلاع نزدیکان  
و انتشار آن بملک محروسه فرمایش علی فرموده اند و امید کلی  
است که بواسطه این روزنامهها اطلاع و آگاهی و انامالی و  
امالی این دولت عظیمتر شود

### احبار و ارباب اخلاص و طهران

عالیجاه و مقرب الخاقان عزیزخان اجودان باشی عا کرم  
که بواسطه اختتام و پایان دولتین از جانب سنی و اهل بیت  
پادشاهی برای مزید اتحاد و احوال پرستی منزل مبارکی  
و بعد امیر طوری که بصحبات ایروان آن بودند رفقه بود  
و از ایروان مراجعت نموده چندی برای نظم و سرکشی  
آذربایجان در آن طرفها توقف نموده در روز پنجشنبه  
جمادی الاوّل وارد ارباب اخلاص گردید شرفیاب حضور  
سرکار اعلی حضرت پادشاهی و مورد الطاف و نوازشات  
گردید

عالیجاه اقا اسمعیل سربسک تجوید ارجیه و مکتوب چادر  
کمال افواج قاهره و توپچیان و غلامان و مخارج قورخانه  
شده و از هر بدی محلی سخته خواه این مصارف معین شده در  
روز جمعه و هم احکام آن صادر گردید

عالیجاه حکیم کردلانی طبیب نظام در روز پنجم  
سربسک الخاقان اجودان باشی وارد ارباب اخلاص

عالیجاه پاشا خان سربسک افواج سنائی و دامغانی  
که ماسوی جمع کردن و آوردن آن دو فوج بود در ششم ماه  
بایرود و فوج پسرون آمده و منزل منزل بطرف ارباب اخلاص  
می آیند و از قراریکه نوشته بودند یکروز پیش از عبور وارد

### سایر ممالک محروسه

در همدان ضعیفتر از همیشه کلان بچانه اش خورده بود و آن  
مدتی شده بودند که خواهرش که میلان شده او را زده است  
در حالتی که زبان داشته بیا لبتن او رفقه جو یا شده اند  
گفته است که کله پنجه در دستم بود و بازی میکردم در رفقه بود  
چانه ام خورده کسی مرا زده است و بعد از یک روز فوت

سجده نظام راه خراسان سطلب یک بعد از غایت پادشاهی  
نظر به قابلیت که داشت منصب کردگی صدرسویان و صدرسویان  
کوداری و بطاعتی سردار و از فرمودند که بعد از آن راهبها را  
از دزدی و راه زنی از کمانان محاربت و محافظت نماید که در  
دست و این به اسودکی عبور و مرور نمایند

عالیجاهان عباسعلی خان میرنچی و سام خان ایلخانی  
باشی که از ارباب اخلاص و امور خراسان بودند در بیستم  
وارد ارباب اخلاص شده اند

در روز یکشنبه و دو شبیه جای قراول خانهای شهر شمشیر  
مشخص نموده و جای چاپارخانه را در نزدیکی ارک مشین کرده  
که این روزها مشول صاحب قراول خانها و چاپارخانها

بعد از ورود عالیجاه عباسعلی خان میرنچی امر قراولی شهر  
شهر را بعد از فوج خلیج گذاشته اند یک نفر با یک سرباز  
در دار و ده خانه است و باقی دیگر در دروازه پاشان  
نظم این فوج سپار خوب نوشته اند که از وقتی که قراولی شهر  
با آنها محول شده دزدی هیچ نشده و اگر هم بندرت  
اعاده با مال آید نموده که از سایر اخبار خراسان غیره

## احوال امشوق

در خصوص فرادانی طلا که از مملکت کلی فارس برون آورده اند  
در یکی از روزنامه های انگلیس نوشته اند که بعضی از دانایان  
مملکت انگلیس گمان میکنند که اگر طلا فراوان بشود و در قیاس  
بهم برسد باعث افتخاش در داد و ستد دیوانی و تجارتی  
میشود روزنامه نویسن مزبور این خیال را ندارد و میگوید که  
اگر چنان فرادان شود که قیمت نقره برسد چنان فوق و معالفا  
و داد و ستد نخواهد کرد در مملکت مانند حکم کرده اند که طلا  
برواج نباشد بجز قیمت خودش و داد و ستد خلق از پول  
نقره حساب شود این حکم در ولایت انگلیس بی اجراست  
اطلاعاتی که به سرمان است و اگر این حکم در ولایت  
فرانسه و سایر ممالک فرنگستان نزدیک ولایت انگلیس جاری شود  
دور نیست که دولت انگلیس نیز پول رواج خود را مانند آن  
ممالک اطراف نماید تا بحال ضرری ازین فرادانی طلا دیده  
بلکه در بعضی ولایات منفعت زیاد کرده اند بخصوص در شهر  
نیویارک سبکی دینای شمالی چونکه اکثر طلا از کلی فارس  
بآنجا می آید و طلا در آنجا کمال وفور دارد و تجارتشان بسیار  
رواج شده است

در میان اقلیم افریقا فرنگها کم رفته اند و بسیار جا هست که  
هیچ ندیده اند چند سال پیش ازین جمعیتی از وسط آن  
اقلیم بی لای رودخانه نیگرو رفته از دولت و پناه با  
دولت و شصت نفر که با آنجا رفته بودند سه نفر جمعیت  
باقی یا از بدی آب و هوای آنجا مرده بودند یا در جنگ با  
اهل آن ولایت کشته شده بودند چند وقت پیش ازین چند  
نفر از سمت شمال اقلیم افریقا از شهر لونی فرستاده اند آنها

از وسط ولایت افریقا کاغذی نوشته بودند شهر دیده بودند  
که در کتب جغرافیا هیچ اسم آنها نبود و ولایتها دیده بودند که  
تا آنوقت هیچکس از اهل فرنگستان در آنجا ماکر دشمن نگردیدند  
و ستادیکر هم بنا دارند که از ولایت شش امید روانه  
نمایند و یکصد در میان این ولایت در بی آب شیرین است  
تا معلوم شود تا درین روزها چند نفر با آنجا رفته و در بی  
مزیور را دیده بودند و در اکثر جای این اقلیم که رفته اند  
و سیاحت کرده اند بجهت کم آبی و بدی آب و هوای آنجا  
زیاد کشیده اند

در باب دزدان رودخانه از مملکت چین که در همه گذشته  
از روزنامه مذکور ترجمه شده و نوشته شده بود دزدان  
در آنجا شت کرده و با سلاح جنگ تمام و زور قهرمی  
تدر کشتیهای تجاری را که تریاک از هندوستان بچین میبرند  
غارت میکردند اما چون از جنگ انگلیسها بکرات ضرر خوردند  
بهر کشتی که میدانشند که جماعت انگلیس در او مسافرت میکنند  
نبرفتند از آنجمله و کشتی از اهل انگلیس تریاک و پول میاردا  
و اهل این دو کشتی نیز با سلاح و اسباب جنگ و آتش  
چینا و آماده بودند دزدان فهمیدند که بر سر آن کشتیها  
صرف ندارد با آنها نزدیک شدند

چند نفر از امنای دولت فرانسه در شورت نشسته و گفتند  
سید دند که آیا موقوف کردن پول طلا صلاح دولت است  
یا نه طلا در آنجا فرادان بود و در طرف آنجا نقد طلا بود  
از جمله زدن و رواج کردن آن برمی آمدند و درین  
باینطور نوشته اند که طلائی که در طرف آنجا فرانسه میگرفتند  
روزی صد هزار تومان بحساب پول ایران است و غیره

ده هزار تومان پول طلا که در ضرابخانه بود اکثرش از پول انگلیس و پول مالند بود بلکه یک عیش طلای سکه نرود بود

در جزیره سینا اتماش خردی بود و کان میگردند که مثل سابق با اتماش کلی بکشدند و از مفتین رسد دست شده و ناخت و غارت میکردند و چونکه بودن آنها از اینک مفتین دیگر به در آنها جمع میشد از برای دولت ضرر کلی داشت قون نظام بعقب آنها فرستادند بعضی در کوها مستغرق کرده بودند و برخی از کوها بتک آمد و همان شهر رفته بودند قون نظام با آنها جنگیده و بمدر استغرق کردند

در سمت مغرب منکی دنیای شمالی مملکتی است که ارکان میناسند تا چند سال پیش ازین بهچکس با بخار فته بود و آنجا را بلده بودند بینه قدر میدانشند که در روی نقشه کل زمین با این اسم مملکتی تا بعد از معین کردن سرحدات با این ممالک پادشاه انگلیس در منکی دنیا که کاناد و مینامند و دولت جمهوری منکی دنیا نام خواه از این منکی دنیا که از اولاد انگلیس اند یا از خود ولایت انگلیس کم کم بآن سست رفته آبادی کردند و اکثر آنها در سال پیشتریت که بان ولایت فته اند ولی امد دیاری پول با سربازی سخته محافظت از دولتین مزبور خود این اشخاص ویرین شدت اندک آنجا را چنان آباد کرده اند که اسال صد هزار خردار غلا از آنجا بملکت کلی فاینا فرستاده

پس ازین همه از قندیل بجهت روشنایی شبها از کوچا او بخت میداد اما سی سال پیش ازین بخار و غال سکی اختراع کردند که عوض قندیل روغنی در کوچا روشن نمایند و دیده که هم خوش کتر است هم روشن تر است و معیار چرخ روغنی است حال کل شهر را ازین بخار و غال سکی روشن کرده اند بلکه تا نیم فرسخ بیرون شهر هم روشنایی غال است که شب را کم ماند است بر روشنایی روز بکنند چونکه در آن است ما در کاسکهای تند روست اگر ایستوری شد کاسکها

بهم میخوردند و خرابی در آنها بهم میزد

### اعلانات

موسبور و جیاری نام تاجر فرنگی چند بار مال التجار بدین آمده که بفروش برساند در خانه اللهوردی آقا نزدیکتین دولت بینه انگلیس و مملکت عباس آباد منزل دارد و موافق ذیل اجناس آورده است و غیر ازین تفصیل هم چیزهای

از طلا و غیره  
نظمه سے بسناکاری  
رنگ ساعت دست بند و غیره نشان دوس صا و طی الفقه طلا

تخت و صندلی ساعت مجلسی و کد در و طرفه ساعت نقره و طلا  
بطرح فرنگستان  
طباخچه دارد

استبانه چینی از شمع کافوری بار و طلا بکلیه  
چوب چوب  
چوب چوب  
چوب چوب

خو طی موزیکان و سنکس از چوب  
نظیر کلایتون یا  
نظیر کلایتون یا  
نظیر کلایتون یا

بچ بخاری کاه اوان معش کرون بندسیاه پراهن فرنگی  
مخدر کلایتون یا  
چوب چوب  
اعلی که تازی دارد بسیار آورده است که بعضی با بجال  
ولایت هیچ نیامده بود خوانین و خاص و عام دار آنخلا فزا  
اعلام میکنند که هر کدام مایل باشند بیایند و تا شام نمانند

روزنامه وقایع اتفاقیه تبایخ جمعیست چهارم شهر جمادی الاول مطابق سال ۱۲۹۷

نهمینم  
بر کس در طهران طالب نشد  
ازین روز تا محاسبه  
بازار دروگان میرسد کام  
باز فروش فروخته شود



یک نهمینم  
سه ماه شش ماه  
شش ماه یک ماه  
یک سال و دو ماهی چهار

اخبار داخله ملک محروسه پادشاهی

واراخلاوطهران

در روز دوشنبه بیستم ماه جمادی الاول که اول این سال  
خیریت آمل است اعلیحضرت پادشاهی زینت بخش تشریف و  
تاج فرمانروائی گردید بقانون قدیم که درین دولت علیه متداول  
سلام عید فرمودند و کل امتا و اعیان دولت و مقربان حضرت  
مجلت های فاخره مفاخره شسته هر کس بجای خود در حضور مبارک  
نظم و ترتیب اهل سلام و آراستگی صاحب منصبان نظام  
و غیره بطوری بود که چاکران قدیم این دولت علیه بگویند که در  
این سالهای سال یا این جشن و جلال سلامی نشده بود  
و انامی دولت علیه درین فصل نوز و خورشیدی و مفاخرت  
دارند و فی الحقیقه جای شکرانه و شادمانی است که کل ما  
محروسه قرار و اسطفا تمام دارد و روزگار دولت برود  
باقبال پهل حسروانی و استقام انامی دولت علیه مانند این ایام  
بهار فصل رسیح و بختی و ترقی است

در روزنامه اخبار دولت بته روس که تغلبین الطباع میشود  
در خصوص راه انداختن و زیاده از اخلاوطهران می شود و از فرار  
نوشته آنها معلوم میشود که روزنامه داراخلاوطهران را در اینجا

بسیار پسندیده بودند خصوص اشخاصی که خیرخواه اهل این ملک  
و اقب و موافقت تربیت حلقه طالب تعلیم و تعلم زبان پارسی علی  
چونکه منظور انامی دولت علیه در راه انداختن این روزنامه خیر  
خاص و عام خواه از رعایای مالک محروسه ایران با انامی دولت  
بود مبارکترین این روزنامهها سپاس دمانی دارند از اینکه در  
داراخلاوطهران مبارک که را در دولت های دیگر نیز پسندیده اند

حسب الامام اعلیحضرت پادشاهی از روز دوشنبه ۱۲۹۷  
مرض دید و باز دید ایام نوروز که دیدند تا روز شنبه که در  
مژور هر یک مشغول خدمات محوله بخود باشند

نظم بحسن صداقت و راستی و استقامت علی چاه چاه علی خان  
توقراقاسی در خدات دیوانی منصب نیابت حکومت اصفهان از  
اعلیحضرت پادشاهی با موقوفه فرمان چون صادر گردید و ارسان

از رعایای نظیر جمعی به از اخلاوطهران آمده از حاکم و مبارک  
کردند که نسبت با مقتدی زیادتی کرده اند و بعضی از آن

بجای گرفته اند در دیوانخانه عدالت تحقیق و غور می نمودند  
آنچه از روی تحقیق معلوم شد با آنها زیادتی شده بود در دیوانخانه  
بجسم اولیای دولت علیه از آنها استرداد و بجا جان مال

از رعایای مغار جمعی آمده در دیوانخانه از مباشر خود شکایت  
کردند مباشر آنها را در دیوانخانه حاضر ساختند و در آنجا  
گرفتند بعد از تحقیق معلوم شد که مباشر آنها شصت تومان نقد و ده  
اسباب از آنها به تعدی گرفته است بعینها هفتاد و پنج من بود  
مغار گرفته شده و بجا جانشان داده شد

### سایر ممالک محروسه

از قرار یکدگر کیلان این اوقات نوشته اند در سکر و بعد  
بعنا و خانه آتش گرفته خانه های پنجم با ششم جزو آنها بود  
و پست و چهار نفوس سوخته اند که شت نفر از آنها فوت شده  
و مابقی غور جووه داشته اند

قطران بنجه مصارف توخانه اول از مملکت روس از راه انزلی آمد  
و کلی قسم درین دولت علیه ساخته شد درین اوقات که جنب  
از مملکت روس قدغن شد بنا شد در رحمت آباد کیلان جنب دریا  
از قدر کفایت باشد و بیازند

از اسطلام امر خراسان درین روز نامه نوشته اند که دزدی کم نیست  
و فوج پنج را که بیست نفر شده اند کمال محاربت را  
بنامند از جو در ۲۹ سبب الحاقی ششم نام ساربان توانا  
حسام استلک در پابین خیابان منزل و شش پیش از آن صبح  
از منزل خود بجهت میرفته است سر بازان قزاق اول او را نگاه داشتند  
که پیش از صبح هر از خانه پرودن آمده بعد یکی از سر بازان او را  
شناختند و تحقیق کرده بجهت رفتن او است موقوف طلوع آفتاب

تاریخ

تاریخ ۱۲۶۷ (۱۳۶۷) ۸ شهریور ۱۲۶۷

از تمام مراجع کرده بجا خود آمده دیده بود آنچه در منزل  
داشته بوده اند که پان سر بازان را گرفته و آن تمام مملکت  
خواستند که تمام اسباب او را پیدا نمایند آدمی از  
ششم نام با سر بازان بنای خانه جوئی هست بسیار میکند  
بالاخره تا بعد از ظهر مال ششم نام بعینها با مبالغ کلی  
مردم دیگر که پیشتر دزدیده شده بود پیدا میشود از خانه دو نفر  
پیره زن پوه که در هتایکی ششم نام منزل داشته اند آن نفر  
زن را بجهت اینکه دزد را بجا بد در حبس دارند ولی دزد تا  
حال معلوم نشده

روز پنجشنبه امام جمعه مشهد که در خطبای شب بخان بیوری بود  
وفات یافته از قرار یک نوشته بودند شصت روز داشت  
سسته شده بود که نسبتوانت است غذا بخورد نه قادر بر  
زدن بوده است روز پنجم فوت شده و شهر بوده است  
که بر بد زبانی موصوف بوده در دم رالاننا اذیت و آزار  
میرسانع است

در میان افواج ساحلوی خراسان در سر فوجی دزد و  
بهرزه که سراغ داشته اند تیر تیران و سر مکان به توان  
حسام استلک حضور نموده و حبس کرده اند و حالاً حسیع افواج  
کمال نظم را دارند

عالمجاه عباسقلی خان سرتیپ فوج همس خوی با فوج  
چهارم شهر جباری الاذل از شهید مقدس شخص و روان  
دار اختلاف شده اند

بر حسب امر اولیای دولت علیه بیابیت یک فوج سر بازان  
جدید از شتابور گرفته شود و محمود خان سرهنگ فوج  
انور بود از قرار یک نوشته اند که سری از آن فوج را گرفته و کار



که این روز باید تمام کرده باشند

از نظم و آرامی و آسایش اصناف این روزها اجازت نواته  
میرسد که از رویه رنگه عالچاه پراغلی خان و قله قاسمی در نکات  
سپار امورات آنجا را قطع ساختند امری که در سنه ۱۰۸۰ سابقه در  
شده پیدا شود و در دارا کوفه قبینه سیاست سکن از و قلع  
الثاقبه حسدی پیش ازین آقا علی خان نامی شب بمانی فریه بود در  
در خانه بود و شب شش ساعت گذشته خواهد و صبح لعش او بر  
آورده اند بعد از آن شخص معلوم شود که آقا علی خان کثیر نسبی داشته  
ان کثیر کنیزد گیر که در خانه آقا علی خان بوده با خود  
نموده و زن مزبوره را خفه کرده اند عالچاه پراغلی خان کنیز فر  
بعد از آنکه غلام محمد بن حکم قتل او نوشته اند حکم شرح بعضی  
از تیر نوشته اند که در روز جمعه دهم شهر جمادی الاول و ساعت

ظنه که شنه زلزله شده بود چندان خرابی کرده اما سپار سخت بود  
در یازدهم هوا سپار سخت و سرد گردیده برف در آن شده  
شده بود بطوریکه چکس باد داشته که درین سنه اولی آنجا باین  
سرس شده باشد بعد از چند روز هوا خوب شد و در تاریخ ۱۳  
نوشته بودند که بیشتر از نیم رزح برف در زمین بود چایارد و  
که در راه بوده نزدیک شهر در میان کولاک و بوران ماند پیشین  
بریز آمده و خودش در پرده ماند بود کا غذا و آنچه داشت کم  
بود تا تاریخ کا گذر بود پیدا شده بود

در روزنامه کرمانشاه از قرار که نوشته بودند و در بخشاری  
سهراب خان نام کرمانشاهی از قاسمی طلبی کرده شب کیر اسب  
ذاتش با خود رفیق کرده بمنزل سهراب خان برده یک رول اسب  
و دو قفسه تفک از او حکا و خاک کرده اند شاربیه صبح از روز

با لچاه اسکندر خان حاکم کرمانشاهان میرساند و حاکم  
ان سغرا پیدا کرده قبینه منسوب نموده و مدار کرده و  
در میان شهر گردانده بودند

در دولت آباد دلایر زن شخصی برسنی و دختر صاحب  
این روزها پدر آن شخص برای منی او را بخرم آباد فرستاده بود  
در بیرون شهر آن دو نفر آمد که پسران او را میگیرند که  
زنت را اطلاق بن مسکویه اینجا عالمی و ملائی قیت شهر که هم  
اطلاق میگویم میگویند بیا در باغ قسم بخور که ما خاطر جمع  
باین بهانه او را به باغی برده و کشته و بعد از آن زن و مادر  
زنت خبر کرده بودند و زنهار آورد و لعش او را نموده بود  
و زنت به پدرش گفته بود که شوهرم چند روز است پیدا  
باجله و لعش او را از باغ آورد و بزود عالچاه میر ششم  
حاکم اینجا گذاشته بود و در شاربیه فرستاده آن زن را  
تحقیق و تهدید کرده که قاتل را بناید و زن از ترس قاتلها را بر  
بعد از آن حاکم کذاست سزا زن را تراشید با باغ  
در کوچ و بازار و محلات گردانید و آن دو نفر قاتل را کوفه  
ماهری را بعضی انمای دولت علیه رسانده حکم کند که قاتل  
به بار معدلت مدار سپارند که در دارالخلافه برای  
برسند

در میان خاک رود خانهای بهان نوشته اند که از قدیم خاک طلا  
بند که چهارصد پانصد نفر سالها امر محاسن خود را این طلا  
و وقت شده است که در تابستانها بعد از نیم شمال هم پیدا کرده  
خوب تمام عیار که مثالی یک تومان و سه هزار میخورد و باین  
که در تابستانها از خاک رود خانها درمی آورند و میسند  
طلا را میگیرند اما سندان در اینها اند و دیده اند که در کجا

احبار دول خارجه

انگليس بتايج سه شنبه دويم شهر ربيع الثاني خرمين و  
وکلای رعایا در مشورخانه پای تخت لندن بجهت گذراندن  
دولتی جسیع شده بودند و چونکشمین اهل مشورخانه اطلاق برکت  
که تحت پادشاه انگلیس در آنجاست بعد از آنکه اهل مشورخانه  
جسیع شدند خود پادشاه اسم آمده بر روی تخت قرار گرفت  
و در امور دولتی فرمایش خود را با اهل مشورخانه آقا نمود و چونکه  
کاغذ آخر که از لندن رسید بتايج فرستاده بود و در نوشته  
بودند معلوم نیست که بعد از گفتگو مشورت در باب امور عظیم  
قرار گذاشته اند

چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده دولت انگلیس  
عمارت بزرگی در پیرون شهر لندن بجهت گذارتن صنایع و  
نفایس هر ولایت روی زمین ساخته اند که انواع صنایع عالم  
در آنجا گذاشته شود و بعد از تشخص و ترجیح صنایع هر ولایت  
بویلاتی دیگر بیست کاران هر یک فراخور کارشان از دولت  
انعام داده شود و ترغیب کردند که در کارهای خود ترقی حاصل  
نمایند حساب کرده اند که مردمی که درین چهار تاجاشای  
این صنایع در عمارت مزبور و اطراف آن جسیع میشوند  
بیشتر از هشت کرد خواهند بود و بجهت اینکه درین کثرت و  
ازدهام جنس مزبور کی نشود کشیکیان و کزهای شهر را  
زیاده کرده اند اگر چه نهضت بیشتر بکوهان نیز داده اند ولی گمان  
دارند که کفایت محافظت شهر و عمارت مزبور بهین قدر کفایت  
و مستحکم که قدیم وجدید معین کرده اند بشود

فرانس در مشورخانه فرانسه در باب مخارج لوی ناپلیان  
رئیس دولت مزبور گفتگونی که پارسان نیز در میان بودند

دارند و در اصلحت و هسته اند که خواه اجزایات او را بقدری  
که خواسته است برقرار دارند زیرا که اگر چه لوی ناپلیان رئیس  
دولت است ولی با اوضاع پادشاهی است بجهت از سخت  
اخراقت در که معین شده و وزیر اصلحتی و انسته بود و نازل شود  
قبول نکرده بودند **نمونه** وکلای پادشاهان در شهر  
در زردن جسیع شده بودند و متذکر که در امور است  
خواهند که اشتها نور معلوم نبود ولی اجتماع آنها هم در کجا  
بی ثمر بود چونکه مردم میدانند که فراری درین امور است خواهند که  
همه در ایش بودند و ولایتها کم کم آرام می شدند اما دولت  
قشون با امور بولایت ایتالیا را زیاد کرده بود و میگفتند چون  
قشون با بخار وانه خواهند کرد و سبب زیاد کردن این قشون  
این است که مغدین فرنگستان در ملکین سویس و پیدایش  
جمع شده بودند و در نبود که باز در آنجا بنای اغتشاش کلان

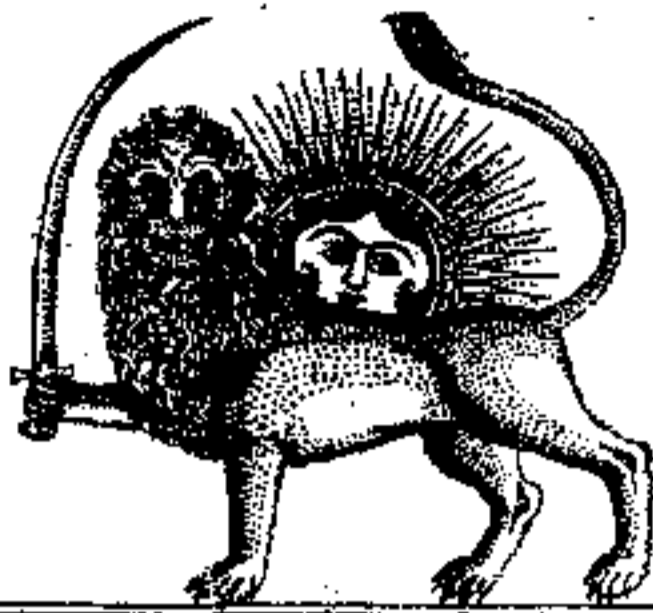
احوال متفرقه

بتايج دو شنبه ۲۵ ربيع الثاني در سلا بول نزدیک  
بهارت عاده استلطنه خواهر سلطان افاده اگر چه نظام انتر  
زود با آنجا جمع شده اند اما متوانند آتش را خاموش نمایند و راند که  
عمارت را با بچه اثاث الیت که در او بود همه سوخته بود  
بخیب پاشا که مدتی پادشاهی بغداد بود در شب ۲۵ ربيع الثاني در  
در خانه خودش وفات یافت و پادشاه و شت سال عمر کرده بود  
در مملکت سویس از قواری که نوشته بودند مغدین فرنگستان  
آنجا جسیع و جزئی اغتشاش کرده بودند چونکه در آن ولایت  
از ادیت نظر بقانون خودشان میتوانند آنها را اخراج نمایند حال  
مغدین در خود آن ولایت اغتشاش کرده اند و جنگی بر تپه  
اهل آن ولایت مردمانی با نظر از خودشان با مغدین جنگ کرده اند

# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ جمعه غره شهرجاری الشانی مطابق سال تنگوریل

نهمینم

هر کس در طهران طالب نشود  
 این روزنامهها را در بازار  
 در دکان سیرتیه کاظم  
 فروش فرودست میشود



قیمت  
 یک نسخه و ششده  
 سه ماه ششصد  
 شش ماه دوازده  
 یکسال دو تومان و ششده

## اخبار داخله مالک محروپه پادشاهی

### دراختلاف طهران

از آنجا که در دولت حلیه ایران از عهد پادشاهان قدیم سده اول و دوم است که  
 عمده حسیلی از اعلی و ادالی سیرتیه هم عهد پادشاهانی بود که در آن  
 خوب و شکون گرفته اند بسیاری بیخود و تفریح گاهها میر و وزیر  
 اول به راست اکثر جانی این مملکت درین فصل سیرتیه و محرم و با  
 و الحی این قازن پساخو و مخصوص این دولت علیه است و بعضی  
 دولت دیگر نماند و میمون گرفته اند که این روز را بعیر و دما  
 سیرتیه اند که اعلی حضرت پادشاهی در روز چهارشنبه ۲۹  
 گذشته که سیرتیه هم عیدت بیخون شریف فرما شد و با  
 در آنجا توقف فرمودند ساکن با عابدراختلاف طهران هر کس که  
 دیده میداند که بهارات لوکانه و سبزی و خرمی اشجار و جو بیار و  
 و جدا اول کل و در این بسیار نام دارد و در اغلب مالک بخوبی مشهور  
 خصوص درین اول بهار که شکوفه درختها سیرتیه بسیار امکان  
 و زینت و خرمی دارد

چونکه گوشه زو انسانی دولت علیه شد که بعضی از نوکرهای حکام  
 در قسم کردن این روزنامهها سوسی قیمت روزنامه که نسخه و شش  
 قرار داده اند سبب است که غیره از خلق پول مطالبه کرده  
 گرفته اند باعث بخش بعضی از امالی مالک محروپه شده است  
 لازم آمد که اعلام شود قیمت این روزنامهها همان است که در روزنامه  
 نوشته شده و در کل شهرهای مالک محروپه بدون اغراض  
 هر کس که طالب با سیرتیه این روزنامهها خواهد بود مطالبه کردن چیزی  
 قیمت روزنامه فرموده پساخو و خلافت ای امنای دولت علیه است

جواد خان بادکوبه چون در خدمت توابع خاندان پادشاهی بود و در  
 عربستان بختیاری و مضامین خدمت کرده و توان معنی الیه اند  
 رضامندی نوشته بود در حکم سیرتیه فوج جدید بر وجود با  
 الثقات شد  
 نصر الله خان پیرجم پیرزنی خان پسر سکی فوج کلپایگان سزافرا  
 اسم خان قباغی پسر سکی فوج پیکره مامور منصوب کرده  
 جیرل خان پسر مصام خان پسر سکی فوج چه نصاری اردویی  
 سزافرا کرده

عمود خان قراچه داعی ز اور فرج جدید خواجہ وند و عبد الملکی کہ  
تازہ کرشمہ شدہ برقرار فرمودند

در روزنامه جمعه نوزدهم ربیع الثانی در باب خوشی آبله نوشته  
بود که محض از برای ثواب رعایت رعیت امنای دولت علیه بنا گذار  
که اطفال را از کا و آبله برداشته بگویند و حسب حکم از اول آبله کشته  
تا پست چشم در خود طهران سیصد و سی نفر طفل آبله کو پسده اند

در خانه میرزا محمد باغی ضعیف در خوت شسته در بالای صندوقه بام برده  
شکستاید از آنجا سپاسین افتاده نزرع ارشاع بام بوده که افشاده  
و عیب نگریه است

موریکه حاجی رضا قلینان که یکی از کدرهای طهرانست در جلوه بالا خانه که  
اطفال و کسین نمازند و یاری از خست غلام کشیده بودند زور باد خراب شد  
در روز پنجشنبه و دو نفر طفل را سر و دست شکسته

ایضا در روز فروردگان بقای حکم و مضبوطی را که خالی از اجناس بوده  
با در خراب نموده اما کبکی اذیت نرسانید

آقا محمد علی و محمد تقی نام حکاک خراسانی از ارض اقدس عزیمت زیارت عتبات  
عالیات بدانجا فرموده اند در شاهرود و در محاصره و قنم دره خرمی ریش  
گردیده اند و خرمی این دو نفر تمام شده پست و شش و نه پیروزه بزرگ و کوچک  
داشته اند بمحاصره و نشان داد و شواهی از او بجهت مخارج راه گرفته اند و در  
سرخره فیروزآباد در خرمین خود ندیدند و هر چه تقصیر کند معلوم نشد با اتفاق آنجا  
آمده تا پانزده روز در سیم فیروزآباد شده مراتب امنای دولت علیه عرض نمود  
بمحمد خان کلاشر حکم شد که پیدا نموده بصاحبانش رساند و قبض رسیدگی  
بزیافت دار و مشارالیه یک شب هر سه نفر را تنید زبانی نموده و ضامن  
از آنها گرفته مرخصشان کرده که اگر فردا پیدا نشود مواخذ باشند فردا  
که آنها را خواسته بنای محنت گیری و تشدد خواسته بگذارد و محاصره

دره جزئی میگوید که میان اسباب خود این دو نفر کزنده که فیروزآباد پیدا شد  
من از عهد برمی آم میان اسباب آنها کشته فیروزآباد را میباشند معلوم  
که او برداشته بوده و از بیم مواخذه دوباره میان آنها صاحبانش گذاشته  
حسب حکم بصاحبانش داده و قبض گرفته و مراتب در روزنامه شهر برون رعایت  
پادشاهی رسیده مقرر فرمودند که محمد صادق را بعد از شش ماهه در محاصره  
و حسب الامر معمول داشته

در همچنین حاجی سید حسن سمنانی که از علمای مشهور بوده و در آنجا فوت  
شده بقدر دو هزار تومان جوهر و خوبت و اسبابش را او را بعد از فوتش  
در عهد شاهنشاهی بمرو در ایام حکومت نواب سید احمد میرزا زدیده بودند  
در این مدت پیدا کرده بوده تا در این عهد که دولت محمد امینت آمده با مناسبت  
دولت علیه عارض شد و مظنه او بدو نفر سپرهای حاجی سید حسن که از زن دیگر  
میرفته بجهت و خان کلاشر مقرر شد که حکم باید اموال این ضعیف پیدا بشود و حسب  
محصلی رفته آن دو نفر سید را بدو آنجا آورده بعد از ورود آنها بطهران کل  
اسباب در سمنان بام و کسین بجانان زن مزبور انداخته بودند و آن دو نفر را  
نظر بسیار دشوار مرضی کردند و قبض رضامندی از ضعیف صاحب آن رسیده

سایر ممالک محروسه

مردم صاحب فین و پر حافظه در هر ولایتی پیدا میشوند از آنکه در دره خانه  
انگلیس شخصی محاسب بود که مراتب آحاد و عشرات و آت را در یکجا جمع میکرد  
و میزان می بست و بسیار شگفت و در نظام شخصی و کسین فوج بود که اسامی  
خود را که بمشایدها پستاد نفر بودند بی ثبت و کاغذ میسخت اما از این پشته ها  
میرسنکی در این دولت علیه است که بهتر آن محاسب تکلیف مطابق می آید  
و آن بطوریت که میرزا جعفر خان مشیرالدوله را در ۲۴ ربیع الثانی نواب  
خان میرزا باسان فوج جدید کبشیری و جاملق فرستاده بودند شش نفر  
سرباز خوب که بسیار تعریف نوشته بودند سان دیده و اسامی آنها را  
فرستاده و از قرار که نوشته بود در سربازک آنها بدون اینکه ثبت و کاغذ

در دست بیکر و این هشتصد نفر سرباز را از خارج بقوه حافظه اسم خود  
دیده و محفل آنهارا نفرین کرده و سنان داده بود

در اصفهان در روز غره شهر جمادی الاول سه نفر زوزد از لوار پروت و زوزد  
قدری نفوذ و اموال از میان شهر زدیده میان قلعه برده قسمت سیکه شده  
در این پن دو نفر توپچی تماشای آنجا رفته زوزد را دیده و هر سه را گرفته  
ترد عالیچا به چراغعلی خان نایب الحکومه آورده اند بعد از چوب  
کاری بسیار گیر داده پی بریده اند و بیکر اسم دست بریده و در میان  
بازار و محلات گردانده بعد از آن حبس کرده اند که اموال مردم را بگیرند  
و بیکر دیگر نیز که سابقا در اصفهان زدوی کرده بود و دکانی بریده  
در سیم جمادی الاول پیدا شده او هم در حبس است که اموال مردم را  
بگیرد

گرگین خان که نامور بکر مشن فوج جدید ارامنه اصفهان بود در دویم شهر  
جمادی الاول وارد اصفهان گردیده است

مهدیقلی خان نایب اجودان باشی که در کرمانشاهان نامور روانه  
کردن افواج کرمانشاهانی بود آمده فوج کلهر اسم قرار داده اند که در  
همه وار و کرمانشاهان شده سنان داده از آنجا روانه طهران شوند

### اجبار دول خارجه انگلیس

در روزنامه این ولایت که در این روز با رسیده نوشته اند که وزرا  
که لار و دجان رستل بزرگ آنها بود چونکه دیدند که نیستوانند مطلب خود را  
در امورات دولتی از پیشین برند استعدای مغزولی خود را از  
پادشاه نمودند بعد از جمع شدن مشورتخانه خوانین و وکلای رفقاً  
در خصوص بعضی از امورات دولتی در میان آنها بحث بحث  
شده و چونکه از این گفتگو معلوم شده که وزرا دیگر قوه گذرانند  
امورات دولتی را ندارند خودشان پادشاه عرض کردند

که حکم بفرمایند که آنها مغزول و سنان بیکر بجای آنها بر قسار  
شوند و موافق کاغذ آخر که از آنجا رسیده که تاریخ آن روز جمعه ۲۶  
ربیع الثانی بود معلوم شده که وزرای جدید هنوز برقرار نشده اند  
بعد از مغزول شدن لار و دجان رستل وزیر اعظم پادشاه یکی از خوانین  
که لار و دجان میسنا مندر خواسته بود و با حکم کرده بود که اسامی چند نفر  
از امای دولت را بنویسد که با اتفاق او امورات وزارت باشند  
و گویا در قوه او هم نشده بود و پادشاه عرض کرده بود که از این  
خدمت عمل معاف باشد

در مشورتخانه بتاریخ ۱۵ ربیع الثانی وزیر محاسبات دستور العمل  
سال آینده را آورده و با بل مشورتخانه خوانده بود و اخراجاتی که بجهت  
انگلیس لازم دانسته بود پنجاه و دو میلیون و دو سست و شصت و پنج هزار  
پوند بود که بحساب پول ایران که هر طایان چهار کرد و نیم و هر نونده بیست  
و هزار و پانصد دینار است و دو سست و سی و پنج کرد و صد و چهل و یک هزار  
دو سست و پنجاه تومان میشود مالیاتی که بجهت پر کردن این مخارج قرار  
داده بودند که از ولایات گرفته شود قدری از این مبلغ علاوه آمده  
بود و کلای رعایا خواهش کرده بودند که تخفیف در گرفتن بعضی از  
توجهات دیوانی بدهند اما وزیر محاسبات چون صلاح دولت  
در آن ندیده قبول نکرده بود

تاریخ روزنامه آخر که با پنجا رسیده بیست و ششم ربیع الثانی است  
در روز و شبته صبح ۲۷ جمادی الاول بد از خلافت رسیده درسی  
از لندن تا طهران آمده بود روزنامه آخر هم که از پاریس پامی کشت  
فرانسه رسیده ۲۷ ربیع الثانی بود از این حساب پست و نه روزه  
از پاریس کشت فرانسه تا پاریس کشت ایران آمده بود در فرنگستان بجهت  
کشتی بخار در آب و کالسکه بخار در خشکی حال از برای سیاحت و غیره  
راه میبودن مشعل بریدن طیور میماند از جمله اینها مشورتخانه و کیسل

رعایا و خانیان سب اجلاس نیکبند کوشکونی که شب شنبه  
 شورخانه لندن شده در روز شنبه در پاریس پایتخت فرانسه  
 و بدست حلق داده شده و با اینکه از لندن پایتخت انگلستان  
 پایتخت فرانسه قریب بمقاد فرسخ مسافت است از پایتخت این  
 خاکسار دریا نزدیک به پانزده فرسخ است و پنج فرسخ  
 دریا در میان مملکتین است و تخمینا پنجاه فرسخ هم از کنار  
 ناپایتخت فرانسه با این مسافت اخبار را باین زودی رسانده  
 درین روز نامه نوشته اند که اجلاس شورخانه تعیین کردن  
 و رشب بوده یا در روز آما اگر در روز شنبه اجلاس کرده باشند  
 از بمقاد فرسخ راه در میت چهار ساعت خبر رسیده و نوشته  
 پاریس انطباع نموده و بدست حلق داده

فرانس

در روزنامه رسیده که نشسته در باب مخارج لوی ناپلیان رئیس دولت  
 فرانسه محلی نوشته شد که مبلغ معین کرده بود و وزیر اعظم  
 بودند که از دولت داده شود و اهل شورخانه قبول کرده بود و چون  
 ناپلیان رئیس آن مملکت کردند از اجرائی که بجهت معین شده بود  
 باین تحصیل بود و موجب و شصت هزار فرانک که تخمینا شصت  
 هزار تومان پول ایران میباشد بود و سایر اجرائاتش صد و دوازده  
 هزار و پانصد تومان و آنچه حالاً میباشند علاوه کنند شصت هزار  
 تومان و اگر قبول میکردند به جهت اجرائات رئیس مینور در سالی  
 سصد و چهل و دو هزار و پانصد تومان میشد بعد از گفتگوی  
 صد و شصت هزار تومان را قبول کرده و از مخارج دولتی دوازده  
 و اجرائاتش را مانند سابق صد و شصت و دو هزار و پانصد تومان

نمونه

چنگی که بدتی در مملکت وینارک در خصوص بلوک استین در میان بود

درین روزنامه موقوف کرده اند و قرار شده است که قدری از  
 استریه داخل آن ولایت شده که اید و سپاد شاه دینارک نموده  
 نظم در میان باغیان آن ولایت نگذارند

در بعضی از روزنامه ها نوشته اند که بنا داشته اند که در ولایت  
 قشون خود را کمر نمایند و بعضی میگویند که دولت هزار نفر از قشون  
 مخصوص نمایند و در روزنامه دیگر نوشته اند که ممکن نیست که قشون  
 قشون را کم بکنند بسبب اینکه باز قشون ایتالیا بجهت ساخوی  
 دست داده بودند اگر چه حالاً بنا می صلح در ممالک وسط فرنگستان  
 آمانی شود که یک کس از قشون را از آنجا کم نمایند  
 و کلامی دول فرنگستان در شهر درز درین مکتوب نوشته اند  
 که درین روزنامه بنا بود که وزیر اعظم دولتین استریه و پروس  
 در میان شورخانه و کلابه مصلحت نماید

ایطالیا

ممالک آن ولایت که در زیر حکم پادشاه استریه است نوشته اند که  
 این روزنامه تصدیقش نموده بودند و ترسش را بیک سر کرده  
 قشون استریه ساخول آن ولایت نظام خود را خیلی سخت کرده بود و یکی  
 از بزرگ مفتدین این مملکت بزنی نام در لندن نوشته جمعیتی از  
 مفیدین هم در آنجا بدو رجوع کرده است انسانی دولت استریه خبر  
 داشتند که بزنی و تا بهین او تدارک میدیدند که باز درین فصل ممالک  
 ایتالیا که در تصرف دولت استریه است اقتشاش و یا عیگری نمایند  
 و موافق خبری که آنها داشتند اول اقتشاش بایت در ولایت ناپلی  
 باشد و در جزیره سینیلیا و چون در ممالک فلانس و رومند و  
 مفیدین که از دولت خود ناراضی اند خیال میکنند که تا اقتشاش و یکی  
 ولایت ایتالیا کردند بزنی و تا بهین او در ممالک دیگر اقتشاش نمایند  
 که از آن دست شامش هم اقتشاش نمایند که شاید از تصرف دولت استریه